گاتها سروده های اهورائی زرتشت

پژوهش :

دکتر خسرو خزاعی (پردیس)

چاپ و پخش از :

کانون اروپائی برای آموزش جهان بینی زرتشت

بروکسل ــ بلژیک



Published by:

European Centre for Zoroastrian Studies
7, Galerie de la Reine, 1000 Brussels - Belgium
Tel/ Fax +32-2/374.92.60
WebSite: **www.gatha.org** E.mail: **info@gatha.org**

ISBN 2-930473-02-9

نقش پشت جلد: **الهامی از نقش فروهر**
فروهرِ زرتشت از سر زمینی که او سبز و آباد گردانیده،اکنون بسوی نور در پرواز است. از پشت نمیتوان گفت که آیا این فروهر زن است یا مرد، چون او هم زن است و هم مرد، نماد برابری زن ومرد در آئین زرتشت .
سه ردیف پَر هر بال آن نماد اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک می باشد.
در دست چپ او حلقه مهر است که نماد پیمان ها می باشد و دست راست او جهت روشنائی را نمایان میکند.
او پیمان خود را با اهورا مزدا برای آموزش مردمان به یک زندگی خوشبخت و یک سرزمین آباد به انجام رسانده و اکنون به سوی او باز میگردد.
نقاشی از **سام** بر پایه پیشنهادی از **دکتر خسرو خزاعی** (**پردیس**)
رایانه ، کارشناس و رایزن فنی: **آزاد اقوامی**
ویراستاری: **روحین دانش**
چاپ: بلژیک
ISBN 2-930473-02-9

ارمغان به سروران گرامی

منوچهر فرهنگی و ارباب مهربان زرتشتی،

که با داد و دهش خود آئین پر فروغ زرتشت رادر

جهان گسترش میدهند.





یاد آوری درباره شیوه نوشتن
چندی از واژه های پارسی در این کتاب

خط یا دبیره ای که ما امروز با آن زبان پارسی رامی نویسیم از خط های سامی مانند آرامی و نباتی سرچشمه گرفته است. پس از سده هفتم میلادی این خط بوسیله اعراب تحول پیدا کرد و به کشورهای زیر فرمانروائی آنها منتقل گردید.

این خط که از نخست برای زبان های سامی ساخته شده تعداد زیادی نوا(صوت) را با خود حمل می کند که برای نمایش واژه های زبان امروزی پارسی که از ریشه هند و اروپائی هستند کاملا بی فایده می باشند. از آن جمله: ذ، ض، ص، ط، ق هستند.

بهمین جهت در این کتاب کوشش شده (تا آنجا که امکان دارد) واژه های پارسی یا نامها را مانند گذاشتن، پذیرفتن، صد، افلاطون،... که بدون هیچ علتی با ذ، ص، ط یا ق... نوشته شده اند با ز، س، ت، یا غ نوشته شوند. برای نمونه، گذاشتن، گزاشتن و صد، سد نوشته خواهند شد. این عمل هم منطقی تر و هم ساده تر می باشد و امید است که سایر پارسی نویسان هم در آینده این شیوه نگارش را برای آسان کردن کار نویسنده و خواننده گسترش دهند.

باشد تا از کسانی باشیم که
جهان را هردم نو کنند و تازه گردانند .

گاتها. سروده سوم بند ۹

درباره این نسخه از گاتها و سپاسها

پیروان آئین **زرتشت** به معجزه باور ندارند، ولی اگر کسی در جستجوی معجزه ای باشد، همین بس که «**سروده های اهورائی زرتشت**». پس از پیمودن زمانی نزدیک به ۴۰۰۰ سال و پس از گزشتن از هزاران بلندی و پستی تاریخی، دست نخورده و یک پارچه و با همان تازه گی و شادابی، درست آن گونه که از زبان بزرگ آموزگار، **زرتشت** بیرون آمده بدست ما برسد.
و این در حالیست که این سخنان در زمان سروده شدن هیچکدام نوشته نشده، و افزون بر آن، زبان این سروده ها بیش از ۲۰۰۰ سال بدست فراموشی کامل سپرده شده بود. با این حال هیچ واژه ای یا جمله ای از آن کم یا زیاد نشده است! این پدیده در تاریخ فرهنگها و تمدن ها کم مانند است.

سروده های این زبان فراموش شده را موبدان زرتشتی از بر کرده و در درازای سده ها آنها را، سینه به سینه، به سده ۳ میلادی رساندند و در آن زمان خطی برای آن درست کردند تا گویش وتلفظ آن فراموش نشود.
۱۵۰۰ سال بعد یعنی در سده ۱۸ میلادی پژوهشگر فرانسوی **انکتیل دوپرون** با استفاده از کشف زبان سانسکریت که کتاب مقدس هند، **ریگ ودا** با آن نوشته شده بود، کلید زبان **اوستا** و سرانجام **گاتها** را با کوشش های پیگیر پیدا نمود.
از آن پس تا به امروز سدها دانشمند، زبان شناس و زرتشت شناس از کشور های گوناگون واژه به واژه **گاتها** را مورد بررسی و پژوهش قرار داده و

تعداد بیشماری کتاب و مقاله در باره آن نوشته اند. با این حال هنوز بسیاری ناهمگونی و نارسائی، بویژه در زمینه واژه های کلیدی وجود داشت که میبایستی دوباره مورد بررسی وپژوهش قرار میگرفت و با زبانی ساده و روان به علاقه مندان ارائه میگردید.

با این آرمان است که من با بهره گیری از انبوهی از کار و زحمت ۲۰۰ ساله کسانی که در این راه زندگانی خود را گزاشتند، کوشش کرده ام تا با تجربه نزدیک به ۳۰ سال آموزش و پژوهش دانشگاهی خود در زمینه زرتشت شناسی، برگردان این سروده های مقدس و اندیشه برانگیز را تازه تر کرده و آنها را هر چه بیشتر به اندیشه بزرگ آموزگار، زرتشت نزدیک کنم. باشد تا در آستانه هزاره سوم نسل نوین بتواند بهترین سودها را از آن ببرد.

در این راستا اجازه میخواهم بهترین سپاسهای خود را به استادان ارجمند و سروران گرامی زیر (زنده یا درگزشته) که از پژوهشهای پر ارزش آنها بزرگترین سود و بهره را گرفته ام ارمغان نمایم:

ابراهیم پورداود (ایران)، علی اکبر جعفری (ایران)، حسین وحیدی(ایران) آبتین ساسانفر (ایران)، موبد فیروز آزرگشسب (ایران)، موبد رستم شهزادی(ایران)، د.ژ ایرانی (هند) انکتیل دو پرون (فرانسه)، مارتین هوگ(آلمان) کارل گلدنر(آلمان)، ژک دوشن گیمن (بلژیک)، استانلی اینسلر (آمریکا)، لورنس میلز (انگلستان)، جیمزدار مستتر(فرانسه)، ایرج تاراپوروالا (هند) دستور فرامرز اردشیربود و پیلو ناووتی (هند) چتند موهن چترچی (هند).

باشد که نام همه کسانی که در سراسرجهان برای شناساندن این آئین پر فروغ گام برداشته یا برمیدارند جاودانه در تاریخ ثبت و در دلها ماندگار شود.

خسرو خزاعی (پردیس)

درباره گاتها

گاتها که به معنی سروده ها و در برگیرنده ۱۷ سروده اندیشه برانگیز بزرگ آموزگار **زرتشت** است، تنها کتاب آسمانی برخاسته از ایران، و یکی از گرانبهاترین گنجینه های فرهنگ جهانی می باشد.
شاید این بخت خوب ایرانیان بود که این سروده های بی همتا و پیشبرنده از سرزمین آنها برخیزد تا به جهان روشنی بخشد.
واژه به واژه این کتاب اهورائی، نزدیک به ۴۰۰۰ سال پیش از زبان بزرگ آموزگار **زرتشت** بیرون آمده، راه پرنشیب و فراز هزاره های زمان را پیموده و با همان تازگی و شکوفائی و زیبائی، بی هیچ کم و کاستی به دوران ما رسیده است.
برای نگهداری و نگهبانی از این ۱۷ سروده آسمانی ایرانیان آنرا در درازای بیش از ۲۰۰۰ سال درلابلای بخشی از **اوستا** بنام **یسنا** که دارای ۷۲ بخش است جای دادند.
این هفده سروده که در پنج وزن و آهنگ شعری ساخته شده اند و دارای ۲۳۸ بند میباشند بخشهای ۲۸ تا ۳۴ و ۴۳ تا ۵۱ و ۵۳ را که به هر کدام «هات» میگویند درست میکنند. تمام سروده های جاودانی این کتاب دوروبر ۶۰۰۰ واژه می باشند.
زبانی که جهان آموزگار، **زرتشت**، با آن **گاتها** یا سروده های خود را بیان کرده، لحجه یا گویشی از زبانهای آریائی است که در ۳۷۰۰ سال پیش در منطقه ای در ایران آن زمان، که امروز بخشی از شمال خاوری ایران، باختر افغانستان و جنوب تاجیکستان را درست می کند رایج بود.
این زبان نه تنها سرچشمه زبان پارسی که امروز مردم ایران و سایر

کشور های پارسی زبان با آن گفتگو میکنند است، بلکه سرچشمه بیشتر زبانهای کنونی اروپائی می باشد.

واژه «گات» بمعنی «سروده» بصورت «گاه» وارد دستگاه های موسیقی ایرانی، مانند سه گاه،چهار گاه، راست پنجگاه. شده، و نام «موسیقی گاهانی» که به موسیقی سنتی میگویند از همین واژه سرچشمه گرفته است.

زبان گاتها کم کم در درازای سده ها از میان رفت، با اینکه تا پایان دوران هخامنشیان هنوز فهمیده میشد و کسانی بودند که با آن زبان آشنائی داشتند و گفتگو می کردند.

در این دوران بیشتر گفته ها و نوشته هائی که در رابطه با آئین زرتشت بود در کتابهای گوناگون که گفته میشود ۲۱ نسخه یا نسک بوده جمع آوری و در کتابخانه های بزرگ نگهداری میشدند.

با حمله اسکندر مقدونی و رخدادهای تاریخی بعدی و به آتش کشیدن این کتابخانه ها یا دستبرد به آنها این کتابها نابود شدند. و کم کم زبان گاتها هم به کلی فراموش شد.

اگر موبدان زرتشتی، که درود جاودانه ما به آنها باد، نبودند تا این سروده های مقدس را از بر کرده و با هزاران فداکاری نسل به نسل به دوران ما برسا نند، امروز جهان، بزرگترین سرچشمه فرهنگی خود را از دست داده بود و برای ایرانیان بزرگترین فاجعه را درست کرده بود.

در دوران اشکانیان، برای بازسازی فرهنگی و هویتی ایرانیان که با حمله اسکندر در هم شکسته شده بود، دوباره گردآوری نوشتار های زرتشتی که به هرسوئی پراکنده شده بودند از سرگرفته شد.

در سده سوم میلادی، در زمان ساسانیان، برای اینکه شیوه تلفظ و گویش این زبان فراموش شده هم از یاد نرود موبدان و دانشمندان آن دوره خطی را ساختند که با آن بتوانند گاتها را با همان لهجه زمان زرتشت بنویسند.

این خط که بی هیچ گمانی، کاملترین خط جهان است، در ساده ترین نوع خود، از ۴۸ حرف درست شده که ۱۴ حرف آن صدادار می باشد و میشود هر واژه ای را در هر زبانی درست با همان تلفظ و گویش نوشت. خط گاتها از راست به چپ نوشته میشود و هر واژه ای بوسیله یک نقطه از هم جدا میگردد.

براستی باید به نبوغ کسانی که این خط را ساختند و به دانش آواشناسی آنها هزاران آفرین گفت.

حرفهای صدادار کوتاه

اوستایی	فارسی	اوستایی	فارسی
[illegible]	آ	[illegible]	اِ
[illegible]	اِی	[illegible]	اُ
[illegible]	او	[illegible]	اُ

حرفهای صدادار بلند

اوستایی	فارسی	اوستایی	فارسی
[illegible]	آ	[illegible]	اُوْ
[illegible]	اِی	[illegible]	آو
[illegible]	او	[illegible]	آن(آ در بینی)
[illegible]	اِ(بلند) نی	[illegible]	اِ

حرفهای بی صدا

اوستایی	فارسی	اوستایی	فارسی	اوستایی	فارسی	اوستایی	فارسی
[illegible]	ب	[illegible]	خ	[illegible]	ش	[illegible]	و
[illegible]	پ	[illegible]	د	[illegible]	غ	[illegible]	و
[illegible]	ت	[illegible]	ذ	[illegible]	ف	[illegible]	ه
[illegible]	ت	[illegible]	ر	[illegible]	ک	[illegible]	ی
[illegible]	ث	[illegible]	ز	[illegible]	گ	[illegible]	ی
[illegible]	ج	[illegible]	ژ	[illegible]	م	[illegible]	آنگ
[illegible]	چ	[illegible]	س	[illegible]	ن	[illegible]	نگ
[illegible]	خ	[illegible]	ش	[illegible]	ن		
[illegible]	خ	[illegible]	ش	[illegible]	و		

خط اوستائی که گات ها را با آن نوشته اند

به این خط « دین دبیره » میگویند.

با فراموش شدن زبان گاتها، هرکس تعبیر و تفسیری از چیزهائی که هنوز از گفته های زرتشت در یادها بود میگفت. خرافاتها وارد شد و چیزهای

شگفت آوری ساخته گردیدند و در این شرایط کم کم فلسفه ها و دین های پیش از زرتشت مانند زروانی به پیش آورده شدند و فلسفه ها و دین های دیگر مانند مانی گرائی و مزدک گرائی ساخته شدند.
بیشتر گفته ها، و نوشته هائی که در زمان فراموشی زبان گاتها بوسیله نویسندگان گمنام ساخته و پرداخته شده بودند در کتابی کلی به نام اوستا یعنی «دانش درونی» گرد آوری شدند.
امروز ما کمتر از یک سوم از ۲۱ نسکی را که در زمان هخامنشیان وجود داشت داریم. بقیه در حمله عربهای مسلمان سوخته و نابود گردیدند.
خوشبختانه تنها بخش مقدس و آسمانی اوستا، یعنی ۱۷ سروده زرتشت، گاتها، در سینه های ایرانیانی که زرتشتی ماندند، نگهداری شد.
امروز، «گاتها» تنها کتابی از گفته های زرتشت است که در دست ما می باشد و بر همه مردمان جهان است که از این گرانبهاترین میراث بشریت نگهبانی کنند.

چکیده گاتها را میتوان بصورت زیر بازگو کرد:

هدف از زندگی، شاد و خوشبخت زیستن میباشد. دوروبر ۷۰ بار واژه شادزیستن و خوشبختی در گاتها تکرار شده است. مهمترین آرمان زرتشت، رهائی زمین و جاندارانی که در آن زندگی میکنند از ستم و خشم و بیدادگری و آموزش یک زندگی آرام و خوشبخت و ساختن یک جامعه پیشرو و آباد می باشد.
این آرمان مقدس را زرتشت از نخستین بند گاتها تا واپسین آن همراهی میکند تا به مردمان بیاموزد چگونه در این کره خاکی میتوان یک زندگی خوشبخت را پی ریزی نمود و در شادی و شادمانی، جاودانه به جهان مینوی و سرای پر از روشنائی اهورامزدا پیوست.

«با دستهای بر افراشته، ای مزدا،
بتو نیایش میکنم،
و با فروتنی از تو درخواست خوشبختی دارم.
باشد که همه کردارهای من،
با خرد و اندیشه نیک،
و هماهنگ با آئین راستی انجام گیرد
تا تو را خشنود،
و روان زمین بارور را خوشبخت سازم».

«پس، ای مزدااهورا
با اندیشه نیک به سوی تو می آیم.
تا در پرتو راستی،
خوشبختی هر دو جهان، مادی و مینوی
را به من بشناسانی،
تا بتوانم آنرا به همراهان خود
بشناسانم».

***گاتها**، سروده یکم بند های ۱ و ۲*

بر پایه این آموزش، خوشبختی و شادزیستن میسر نیست مگر اینکه همگان در جامعه از جمله جانوران و گیاهان بتوانند شکوفا شده و با شادی و آرامش زندگی کنند.
پس هرکس باید در خوشبخت کردن دیگران و شکوفا ساختن این جهان کمک کرده و با کوشائی شرکت نماید.

«خوشبختی از آن کسی است
که بدیگران خوشبختی رساند»

***گاتها**. سروده هشتم، بند۱*

برای رسیدن به این آرمان، مردمان باید نخست ساختمان بندی جهان اهورائی را آنگونه که در گاتها از آن سخن رفته، بشناسند و اندیشه و گفتار و کردار خود را با آموزشهای آن هماهنگ کنند.
بزرگ آموزگار، زرتشت با اندیشه ژرف خود، راز کارکرد دقیق و درست این قانون را پیدا کرد و آنرا برای مردمان جهان در سروده های جاودان خود «گاتها» بازگو نمود.

ساختمان بندی جهان اهورائی:

ساختمان بندی جهان اهورائی بر سه ستون جاودان اندیشه نیک، گفتارنیک و کردارنیک بنا گردیده و. بالاترین و برترین رده در این ساختمان بندی، خدائی است یکتا، که نام او اهورامزدا است.
واژه اهورامزدا بصورتهای اهورا، مزدا، مزدااهورا و اهورامزدا، بیش از ۲۰۰ بار در گاتها تکرار شده. «اهورا» به معنی«هستی آفرین» و « مزدا» بمعنی«ابرخرد» یا دانش بزرگ و یا دانای بزرگ برگردان شده اند. فردوسی در شاهنامه اش واژه «اهورامزدا» را «خدای جان و خرد» ترجمه کرده که از دیدگاه نویسنده این نوشتار بهترین ترجمه میباشد:
«بنام خداوند جان وخرد کزین برتر، اندیشه برنگزرد»

در جهان بینی زرتشت، اهورامزدا خدائی است که «سرچشمه خرد» میباشد و خرد را در جهان هستی برتر و بالاتر از همه چیز استوار نموده.
بنابراین، نخستین ویژگی برای پی ریزی یک زندگی خوشبخت و ساختن یک جهان آباد بهره گیری از نیروی «خرد» می باشد.
در جهان اهورائی هر زن و مردی میتوانند راه زندگی خود را آزادانه گزینش کنند، پس کسانی که خواهان بهره گرفتن از نیروی خرد میباشند،

ناگزیرند راهی را گزینش کرده که آنها را بسوی سرچشمه آن که اهورامزداست، راهنمائی نماید.

«خرد» یعنی نیروی تمیزدادن خوب از بد، راستی از دروغ، دادگری از بیدادگری، اندیشه و گفتار و کردار پیشبرنده از اندیشه و گفتار و کردار پس برنده، آرامش از تشویش، شادی از افسردگی، عشق از نفرت، آبادگری از ویرانگری، رسائی و تکامل از باز دارندگی...

«خوب». یعنی نیروهائی که انسانها را به سوی خوشبختی و خرسندی و آرامش ببرند و «بد» یعنی نیروهائی که مردمان را به سوی درماندگی و تشویش و غمزدگی بکشند.

پس خرد برتر از هر دانشی است. چون دانشی که خرد آنرا رهبری نکند، ویران کننده است. و برعکس دانشی که از خرد پیروی نماید خوشبخت کننده و آباد گر می باشد.

جهانی که اهورامزدا آفریده، جهانی است همیشه در حال دگرگونی و پیشرفت. هیچ چیزی در این جهان ثابت نیست. نیرو های آفریننده و سازنده و افزاینده این جهان را هر دم به پیش میبرند و نو و تازه میگردانند. به این نیروها «سپنتامینو» میگویند. و مردمان باید در این پیشرفت و نوسازی و تازه گردانی و خوشبخت کردن این جهان با نیروهای سپنتامینو همگام گردیده و در روند آفرینش با اهورامزدا همکاری نمایند.

اهورامزدا، دارای شش فروزه یا نیروی مینوی می باشد، که هر کدام نقشی مهم و بنیادین در ساختمان بندی جهان اهورائی دارند و زنان و مردان برای خوشبخت زیستن ناگزیرند بسوی آنها رفته و آنها را در هستی خود آمیخته کنند. این فروزه ها را به اضافه خرد که در هستی آفرین ادغام شده، در نوشتارهای اوستائی امشاسپنتا یعنی نیروهای هفت گانه پیش برنده و افزاینده نامیده اند. بعدها این واژه به امشاسپندان و سپس به سپندان تبدیل گردید.

برای به نمایش گزاشتن برابری کامل زن و مرد در آئین زرتشت، از این شش فروزه از دیدگاه دستور زبان، سه تا مادینه «مونث» و سه تا نرینه «مذکر» می باشند. حتی واژه اهورامزدا در ترکیب دستوری خود از دو ویژگی مردانه (اهورا) و زنانه (مزدا) برخوردار است.
در این کتاب، ما فروزه های اهورامزدا و واژه های کلیدی را با حرف بزرگ نوشته ایم.

• نخستین فروزه اهورائی (راستی) است و این قانونی است که نظام جهان هستی را درست میکند و آنرا بسوی روشنائی جهت میدهد. در واژه شناسی گاتها به آن «اشا» میگویند که ۱۶۲ بار از آن نام برده شده است. این واژه در زمان هخامنشیان به «ارتا» تبدیل گردید.

به اندیشه و گفتار و کرداری که با قانون «اشا» هماهنگ و همراه شده «نیک» میگویند چون پیشبرنده است. و هر چه که واژگون و در تضاد با قانون جهانی «اشا» باشد به آن «بد» گفته میشود. چون این تضاد نه تنها بازدارنده است و از پیشرفت جلوگیری میکند، بلکه مردمان را به سوی دروغ و تشویش و خشم و ستم و غم زدگی و جامعه را بسوی بیدادگری و پس ماندگی میکشاند.
در زبان پارسی واژه اشا به «اردیبهشت» تبدیل شده است.
• دومین فروزه اهورامزدا «اندیشه نیک» است که به زبان گاتائی به آن «وَهومن» میگویند و از آن ۱۲۷ بار نام برده شده. در زبان پارسی این واژه به «بهمن» تبدیل گردیده.
«اندیشه نیک» اندیشه ای است که راه مردمان را به سوی «راستی» یا «اشا» جهت میدهد. و اندیشه «بد» اندیشه ای است که مردمان را به فریب و کژراهی انداخته و آنها را از «راستی» منحرف میکند.

اندیشه ای میتواند نیک باشد که خود را از بند آموزشهای نادرست آزاد کرده و بتواند آزادانه میان نیروهای ناسازگار گزینش کند. در گاتها با روشنی تمام آمده که هر زن و مردی باید بتوانند آئین و فلسفه و شیوه زندگی خود را با آزادی کامل و به دلخواه خود برگزینند:

«ای مزدا

زمانی که تو در آغاز با اندیشه خویش

تن و خرد و وجدان برای ما آفریدی

و جان به تن ما دمیدی

و ما را به گفتار و کردار توانائی دادی،

خواستی که ما باور و آئین خود را

به دلخواه خود برگزینیم،»

گاتها، سروده ۴ بند ۱۱

• سومین فروزه اهورامزدا، نیروی چیرگی و فرمانروائی به خود است که در زبان گاتایی آنرا «خشترا» می نامند و در پارسی امروزی به آن شهریور میگویند.

این فروزه، نیروی فرمانروائی به سهشهای (احساسات) ویرانگر در جهان درونی خویشتن است که ما آنرا در این کتاب «نیروی خودچیرگی» نامیده ایم. واژه خشترا در گاتها ۶۴ بار تکرار شده است.

• چهارمین فروزه اهورامزدا، «آرامش» است که به زبان گاتائی آنرا «آرمئیتی» می نامند و در گاتها ۴۰ بار تکرار گردیده.

«آرامش» نتیجه ای است از چیرگی به خود و به سهشهای ویرانگر درونی.

در زبان پارسی واژه آرمئیتی به «اسفند» تبدیل شده.

• پنجمین فروزه **اهورامزدا**، «**رسائی و تکامل**» است که به زبان گاتائی «**هَه اوروَتات**» نامیده میشود و در زبان پارسی امروزی آنرا «خرداد» می نامند.
جهانی که **اهورامزدا** آفریده، همیشه در حال رسائی و تکامل است. در این جهان هیچ چیز ساکن و مرده نیست. همه چیز در حال جنبش و دگرگونی است، و هدف از آفرینش انسانها، همکاری با اهورامزداست تا او را در بهتر و تازه کردن و پیشبردن جهان یاری دهند.
واژه «**هَه اوروَ تات**» ۱۱ بار در **گاتها** تکرار شده.

• ششمین فروزه **اهورامزدا**، «**جاودانگی**» است که پس از گام رسائی و تکامل جای گرفته. در زبان گاتائی به آن «**اَمِرتات**» میگویند که در پارسی امروزی به «امرداد» تبدیل گردیده است. این واژه که بیشتر با واژه «**هه اوروَتات**» همراه است ۱۴ بار در **گاتها** تکرار گردیده.
جهان مینوی اهورامزدا، جهانی است بی مرگ و جاودانه که آرمان نهائی است. در این جهان مینوی رهروان آئین **زرتشت** در پردیس اهورائی که به آن «**سرای سرود**» میگویند جاودانه جایگزین میگردند. سرائی که فروغ اهورائی برای همیشه به آن خواهد تابید.

زرتشت آئینی را که برای مردمان جهان به ارمغان آورد «**وجدان روشن**» نامید و سروده های خود را در **گاتها** «**مانترا**» یعنی «**سخنان اندیشه برانگیز**» خواند و خود را «**مانتران**» یعنی «**گوینده سخنان اندیشه برانگیز**» نامید.

ویژگیها و ارزش ها در گاتها

فروزه ها و نیروهائی که **زرتشت** از آنها در **گاتها** سخن میراند، نه پند و اندرز هستند و نه دستور و فرمان. آنها پدیده هائی می باشند که **زرتشت** در پهنه های بیکران اندیشه خود درباره جهان هستی شناخت و برای مردمان به ارمغان آورد تا آنها با این نیروها بینش خود را بسازند.
زنان و مردان آزادی کامل دارند که آنها را بپزیرند یا نپزیرند. پزیرفتن آنها «ثواب» نخواهد داشت و نپزیرفتن آنها «گناه» به حساب نخواهد آمد. چون این دو واژه در **گاتها** به کار برده نشده اند. در عوض **گاتها** همیشه از هماهنگ کردن خود با قانون راستی و در برابر آن نبرد با دروغ سخن گفته است. و این **آزادی در گزینش** میان هم آهنگی با **راستی** و یا هم آهنگی با دروغ است که ازهر زن و مردی نه تنها یک انسان دینامیک، یعنی انسانی که در سرنوشت خود شرکت میکند، خواهد ساخت بلکه از او یک مرد یا زن مسئول به وجود خواهد آورد که در درازای زندگی مسئولیت رفتار و کردار خود را بدوش بگیرد.

شیوه آموزشی زرتشت

آموزش های **زرتشت** بر پایه بر انگیختن اندیشه، تکان دادن مغز و گسترش و تازه و نو کردن دیدگاه در برابر زندگی پی ریزی شده اند.
شیوه ای که بزرگ آموزگار، **زرتشت**، در **گاتها** بکار می برد، روش «**پرسش و پاسخ**» است.
او هیچ چیزی را تا زمانی که با **خرد** خود در نیابد نمی پزیرد. و برای پی بردن به درست بودن یا نادرست بودن هر چیزی، از پیش پا افتاده ترین رویداد

زندگی تا بزرگترین پدیده های جهان هستی، او «می پرسد» و «می پرسد» و باز هم «می پرسد» و تا پاسخ نگیرد آرام نمیشیند.
او میداند که هیچ چیزی نباید در تاریکی بماند. چون تاریکی است که اندیشه را آشفته کرده و دروازه ها را بر دروغ و خرافات باز میکند.
زرتشت در سراسر سروده نهم در گاتها پرسش میکند و پاسخ میخواهد، و در سراسر کتاب گاتها او نزدیک به ۱۰۰ پرسش می نماید.
ولی زرتشت از که می پرسد؟ و از که پاسخ میخواهد؟
روش او فرورفتن در اندیشه است، فرورفتن تا جائی که بیشتر از آن ممکن نیست. و در ژرفناترین نقطه از اندیشه است که او بی پرده با اهورامزدا، یعنی سرچشمه خرد، رودررو میشود و از او میپرسد و پاسخ میگیرد.

او میخواهد بداند زندگی چیست؟ مفهوم زندگی کدام است؟ جهت زندگی به چه سوئی است؟ راز پی ریزی یک زندگی خوشبخت چگونه است؟ رخدادهای زندگی چگونه شکل میگیرند و سرچشمه آنها کجا هستند؟ او تمام این پرسشها را از اهورامزدا میکند. او باز میخواهد بداند، چه کسی سازنده زمین و ستارگان و خورشید و ماه است. چه کسی بوجود آورنده راستی و اندیشه نیک می باشد. او می پرسد، «ای اهورامزدا، برای کی تو این جهان بارور و شادی بخش را آفریده ای؟» و باز میپرسد «ای اهورامزدا، سرچشمه یک زندگی خوشبخت در کجاست و چیست پاداش آنکه در جستجوی این چنین زندگیست؟» بمن بگو، بمن بگو، بمن بگو ای مزدااهورا. با پرسش و پاسخ است که زرتشت دیدگاه خود را در برابر جهان هستی می سازد و بر پایه این دیدگاه است که آموزشهایش را در گاتها پی ریزی میکند.
از این روست که در سراسر گاتها کوچکترین تناقض و دو گانگی وناهمگونی بچشم نمیخورد و هیچ تاریکی وجود ندارد. همه چیز مانند آب چشمه شفاف و مانند روز روشن است.

انجمن مغان

بزرگ آموزگار، زرتشت، نزدیک به ۴۰۰۰ سال پیش، نخستین «انجمن جهانی خردگرایان» را بنیان گزاشت و نشستهای گفتگو و پرسش و پاسخ درباره زندگی، خوشبختی، وجهان آفرینش را بر پایه های روشن اندیشی و خردگرائی پی ریزی نمود. او این انجمن را «انجمن مغان» نامید.

مغ یا «Maga» به معنی «خرد گرا»،«آزاده» و «بزرگ» می باشد. آنها کسانی بودند که خود را از زنجیرهای خرافات و فریب رها کرده و بسوی سرچشمه خرد و دانائی برای پی بردن به راز آفرینش روی آورده بودند. بهمین جهت زرتشت آنها را بعنوان نخستین هسته جنبش بزرگ خردگرائی و از یاران نزدیک خود برگزیده بود.

در سروده های اهورائی گاتها، زرتشت ۷ بند را ویژه مغان کرده و آنها را با بهترین واژه ها ستوده است. این بندها عبارتند از: سروده ۲ بند ۱۱؛ سروده ۶ بند۷؛ سروده۱۱ بند۱۴؛ سروده ۱۶ بند۱۱؛ سروده ۱۶ بند۱۵؛ سروده ۱۶ بند۱۶؛ سروده ۱۷ بند۷.

زرتشت کسی را دوست خود میداند که به انجمن مغان کمک کند و از اهورا مزدا میخواهد که به او یاری داده تا بتواند سخنان خود را نیز بیرون از انجمن مغان بگوش مردمان برساند.

پاداشی را که زرتشت به انجمن مغان نوید میدهد «سرای سرود» است که در گاتها همان بهشت اهورائی میباشد.

*«ای **مزدا**،*
کیست آن دوست یکرنگی که
*به **زرتشت اسپنتمان** یاری دهد؟*
اوکسی است که در پرتو
راستی** و **اندیشه نیک
*به **انجمن مغان** کمک می رساند».* ***گاتها**: سروده ۱۶ بند ۱۱*

*«ای **مزدا**ی بهترین،*
به سوی من آی و خود را به من بنمای،
*تا در پرتو **راستی** و **اندیشه نیک**.*
*سخنان خود را نیز بیرون از **انجمن مغان***
به گوش دیگران برسانم» ***گاتها**: سروده ۶ بند ۷*

*«پاداشی که **زرتشت**،*
به انجمن مغان نوید داده است،
***سرای سرود** است،*
که از آغاز،
*جایگاه رسیدن به **اهورامزدا**است»* ***گاتها**:سروده ۱۶ بند ۱۵*

در **انجن مغان**، **زرتشت** را «**پیر**» یا «**بزرگ آموزگار**» می نامیدند و همین لقب بود که بیش از سه هزار سال بعد. **حافظ شیرازی** آنرا در بسیاری از اشعار خود بصورت «**پیرمغان**» وارد کرد و در «دیر» یا «خرابات» مغان نور خدا را دید و تمام دانش خود را از«**پیرمغان**» دریافت نمود.

«در خرابات مغان نور خدا می بینم — این. عجب بین که چه نوری زکجا می بینم»
«از آن به دیر مغانم عزیز میدارند — که آتشی که نمیرد همیشه در دل ماست»
«تا زمیخانه و می نام ونشان خواهد بود — سر ما خاک ره پیر مغان خواهد بود»
«حلقه پیر مغانم ز ازل در گوش است — ما همانیم که بودیم و همان خواهد بود»
«پیر مغان حکایت معقول می کند — معذورم ار محال تو باور نمی کنم»
«حافظ جناب پیر مغان جای دولتست — من ترک خاکبوسی این در نمی کنم»

سه نیایش بنیادین در آئین زرتشت

اگر چه جشنهای فراوانی که در آئین **زرتشت** هستند همگی یک نوع نیایش می باشند ولی سه نیایش بنیادین زیر را میتوان در هر زمان و مکان اجرا نمود. از جمله: در برابر زیبائی یک طلوع یا یک غروب آفتاب، در برابر یک دشت و دمن شاداب و پر از گل، در برابر آتش، در برابر هر گفتار و کردار آفرین برانگیز، در مراسم های گوناگون، جون سدره پوشی، زاد روز، همسر گزینی یا یک پیروزی در زندگی وغیره.
هیچ دستور و شیوه ویژه ای هم برای اجرای این نیایشها وجود ندارد. هر کس میتواند با میل خود ـ با صدای بلند یا آرام، با آهنگ یا بی آهنگ آنها را اجرا نماید.

۱ـ اَشَم وَ هو

راه یکی است و آنهم راستی است،
راستی خوشبختی است،
و خوشبختی از آن کسی است
که راستی را تنها برای راستی بخواهد.

۲ـ یَتا آهو

همانگونه که سرور هستی(اهورامزدا)،
که جهان را برراستی استوارکرده
باید گزینش کرد و نیایش نمود،
بهمان سان هم
راهبری که با آموزشهای خود
جهان را
بسوی خوشبختی میبرد
باید گزینش کرد و ستود.
این دو دهش برگزیدن را
اندیشه نیک ارمغان کرده.
تا کارهای زندگی بنام اهورامزدا
و بنام مردم انجام گیرد.

۳ـ یَنگه هاتام

زنان و مردانی را می ستائیم
که اندیشه و کردارشان
با فریب و دروغ بیگانه است.
چون اهورامزدا،
از درون و اندیشه همگان آگاه می باشد.
و همه چیز را
با میزان و درستی داوری میکند.

درباره زرتشت و خانواده او

نام **زرتشت** در **گاتها** **زَرَتوشترا**، به معنی **ستاره زرین درخشنده** میباشد. **زرتشت** در ششم فروردین ۳۷۷۳ سال پیش، (۱۷۶۷ پیش از میلاد) در«سرزمین آریاها» در بخشی میان شمال خاوری ایران، باختر افغانستان و جنوب تاجیکستان چشم به جهان گشود.
«**پلین**» دانشمند و مورخ رومی سده یکم مینویسد، «**زرتشت**، نخستین کودکی بود که با لبخند به دنیا آمد». و در **اوستا** آمده که *«**زرتشت** با لبخند به دنیا آمد، با لبخند زندگی کرد و با لبخند از جهان رفت»*
او به جهان لبخند زد تا جهان هم به او لبخند زند.

نام **پدر زرتشت پوروشیسپا** و مادرش **دُغدوا** از خانواده **اسپنتمان** است. بزرگ آموزگار، زرتشت با **هُووبی** ازدواج کرد ودارای شش فرزند شد: سه دختر به نام های *فرنِی*، *تریتی* و *پورچیستا*، و سه پسر به نام های *ایسَت وَستَر*، *اوروَتَتنَر*، و *هوَرِ چیترا*
آموزگار **زرتشت** استادی بنام **کوروش برزین** بود.
او در سن ۳۰ سا لگی یعنی ۳۷۴۴ سال پیش (۱۷۳۸ پیش از میلاد)، با پی بردن به بزرگترین راز هستی، یعنی راز خوشبخت ساختن و شکوفا کردن زمین و جاندارانی که در آن زندگی میکنند، جهان بینی اهورائی خود را در **گاتها** به دنیا شناساند.
بدن فیزیکی **زرتشت** در سن ۷۷ سالگی از جهان دیده فروبست و روان مقدس او در پردیس اهورائی که در **گاتها سرای سرود** نامیده شده جاودانه به **اهورامزدا** پیوست.
تا کنون آرامگاه او کشف نشده.

زرتشت، اروپا
و آغاز دانش زرتشت شناسی

«من از دیروزم و من از امروزم
ولی بخشی از من از فرداست،
از پس فرداست و از همیشه است،
آنچنان گفت زرتشت». **فردریک نیچه**

بر خلاف کشورهای زادگاه زرتشت (ایران، افغانستان و تاجیکستان) در اروپا بیش از دویست سال است که آموزش و پژوهش درباره اندیشه و جهان بینی زرتشت به گونه علمی آغاز شده و امروز در دانشگاها بخش جا افتاده ایست. هدف اروپاییان از این آموزش و پژوهش پی بردن به ریشه و بن زبانی، فلسفی، فرهنگی و هستی شناسی خود میباشد.
اگر بیش از سه هزار سال است که نام زرتشت بعنوان یک نام مقدس وارد ضمیر ناخودآگاه ایرانیان و مردمان آسیای میانه شده، همین نام بیش از دو هزار و پانصد سال است که بعنوان «بالاترین نماد دانش» وارد ضمیر ناخودآگاه اروپاییان گردیده.
فیثاقورث دانشمند بنام یونانی خود را شاگرد زرتشت می پنداشت و ارستو فیلسوف دیگر یونانی که شاگرد افلاتون بود در کتاب خود «فلسفه» مینویسد که تمام دانش افلاتون از زرتشت گرفته شده. بطور کلی تمام دانشمندان و فیلسوفهای یونان باستان خود را شاگرد مکتب زرتشت دانسته اند و نوشته های خود را به او پیوند داده اند. (ژک دوشن گیمن: پاسخ غرب به زرتشت, اکسفورد ۱۹۵۸: ر.م افنان: تاثیر زرتشت بر اندیشه یونان: نیویورک ۱۹۶۵: ژ. فرل: تاثیر زرتشت و اندیشه زرتشت بر فرهنگ غرب، سیدنی ۱۹۷۷).

در آن دوره، یعنی در سده های پنجم و چهارم پیش از میلاد مسیح، ایرانیان (که مردمان آسیای میانه امروزی را هم در بر میگرفتند) با پی ریزی نخستین امپراتوری جهانی که از ۲۸ کشور درست شده بود امور دنیا را اداره میکردند و شاید بهمین علت بود که یونانیان شیفته جهان بینی زرتشت که فلسفه هستی شناسی ایرانیان بود شدند.

(مری بویس: تاریخ زرتشت گرایی، لندن، ۱۹۸۹ جلد دوم رویه ۲۸۰-۲۸۲).

بنا به نوشتارهای تاریخ نویسان کهن و امروزی، با تحول فرهنگی ژرفی که زرتشت در میان ایرانیان بوجود آورد، آنها آزادمنش ترین اندیشه ها را در میان ملتهای امپراتوری گسترش دادند و در این راستا نخستین قانون حقوق بشر (فرمان آزادی) را بنگارش در آوردند. چون زرتشت به آ نها آموخته بود که «حقیقت از آن هیچ کشور، هیچ ملت و هیچ نژادی نیست».

(ژرار ایزرایل: کورش بزرگ، پاریس ۱۹۸۷: افلاتون: قانونها، بخش سوم، پارسیان ۶۹۳ و ۶۹۴).

و در همین زمینه بود که پس از آزادی یهودیان از اسارت بوسیله کوروش بزرگ، ساختن معبد اورشلیم بوسیله داریوش بزرگ و گردهم آوری تورات بوسیله خشایارشاه، پیامبران یهودی همچون ایسایی، ژرمی، ازقیل ودانیل، کورش بزرگ را در تورات «فرستاده خدا و پیام آور آزادی» خواندند.

در فرمان آزادی کورش که ۲۵۴۳ سال پیش با خط میخی روی استوانه بزرگی نوشته شده که ۱۵۰ سال پیش کشف شد این جمله ها آمده اند:

«انسانها آزادند که هر خدایی را که دلخواه آنها بود بپرستند، آنها آزادند که در کشور دلخواه خویش زندگی کنند، همگی باید در آرامش و صلح زندگی نمایند». (وایلرز:ترجمه استوانه کورش از خط میخی، ۱۹۷۴: ی. کیله: تفسیر نوشتار استوانه کورش، ۱۹۷۳).

این نخستین انقلاب انسانگرایی و آزادیخواهی در تاریخ بود. تمام نوشتارهای تاریخی نشان میدهد که چه اندازه این انقلاب جهان را به پیش کشاند. آداب و رسوم یهودیان که پیش از آن خشن و با قربانی جانوران بیگناه همراه بود، با

وارد شدن اندیشه بزرگ آموزگار، زرتشت در دین آنها دگرگون شد و بعدها بر دین مسیحیت تاثیر بنیادین گزاشت. ملتهای گوناگون امپراتوری آداب و رسوم خود را توانستند حفظ کنند و زنها هم تراز مردان شدند. «پل دوبروی» زرتشت شناس معروف فرانسوی می نویسد:

«تحولی که زرتشت در فرهنگ آن زمان به وجود آورد زنهای ایرانی را در تمام زمینه ها هم تراز مردان کرد و زنها از چنان آزادی برخوردار شدند که نظیر آنرا در هیچ جایی از دنیای باستان نمیتوان یافت. درآن زمان یونانیها با زنان خود مانند برده رفتار میکردند و ارستو میگفت زن نمیتواند روح داشته باشد». (پل دوبروی: تاریخ فلسفه زرتشت، پاریس ۱۹۸۴ رویه ۱۱۰). همین نویسنده در چند رویه جلوتر کتاب خود مینویسد: «هیچ صفحه ای از کتابهای تاریخ نمیتواند گواه دهد که یک نفر به زور به اندیشه زرتشت وارد شده باشد. اگر جز این بود زمانی که ایرانیان امپراتوری جهانی درست کرده بودند، یونان و هند و مصر و تمام خاورمیانه و نیمی از آفریقا زرتشتی شده بودند».

پس از در هم پاشیده شدن امپراتوری هخامنشی در سده سوم پیش از میلاد، علاقه و شیفتگی دانشمندان یونانی به زرتشت حتی از دورانی که ایران امپراتوری جهانی داشت بیشتر شد. این شیفتگی به جایی رسید که هیچ فیلسوف یا دانشمندی را دراین دوره در یونان نمیتوان پیدا کرد که برای وجهه دادن به کار و پژوهش علمی خود آنرا را به زرتشت نسبت نداده باشد. اعتبار گرفتن از زرتشت بعنوان «بالاترین نماد در همه دانشها» به جایی رسید که حتی دانش ستاره شناسی و کیمیاگری را هم به او نسبت دادند!
(مری بویس: تاریخ زرتشتگرایی، لندن ۱۹۸۲ پوشینه دوم رویه۴۹۱-۵۶۵. ژ- دوشن گیمن: پاسخ غرب به زرتشت، رویه ۱۲ و-۱۴).

شیفتگی به زرتشت به اندازه ای در اروپا رواج پیدا کرد که حتی با از میان رفتن یونان فرو ننشست. با پیدایش امپراتوری رم دانشمندان رمی مانند فیلسوفان یونانی برای اعتبار دادن به کارهای خود از نام زرتشت تا جایی که میتوانستند استفاده کردند.

پس از سده یکم میلادی دین رسمی در امپراتوری رم مهر ستایی (میترایزم) شد. مهرستایی که در جهان بینی زرتشت هضم شده بود و یکی از بخشهای اوستا را درست میکرد از ایران به اروپا رفت و برای ۴۰۰ سال درسراسر این قاره گسترده شد بگونه ای که امروز در انگلستان، آلمان، سویس، اسپانیا، ایتالیا و یونان بیش از ۶۰۰۰ معبد میترا یا «مهرابه» کشف شده. (فرانس کومن: نوشته ها و مانده گارها در باره راز میترا، بروکسل ۱۸۹۶ دو جل د، ی.گرشن تیچ: سروده های اوستایی در باره میترا، کیمبریج ۱۹۵۹).

در سده چهارم میلادی، مسیحیت در امپراتوری رم کم کم گسترش پیدا کرد، ولی چون دین نوپایی بود و هیچ آداب و رسوم ویژه ای نداشت تمام آداب و رسوم مهرستایی را در خود هضم کرد.

تاریخ ۲۵ دسامبر را که تاریخ زادروز میترا بود که ایرانیان آنرا «شب یلدا یا بلندترین شب سال که در ایران ۲۱ دسامبر است» میگویند تاریخ زادروز مسیح قرار دادند. درخت کاج و سرو را هم که مهرستایان با آن مراسم شب یلدا را تزیین میکردند وارد رسوم خود کردند. میترایزم هفت رده یا گام برای پیشبرد روان و دنیای مینوی داشت که استاد رده هفتم را پیر یا پدر میگفتند. واژه پدر وارد مسیحت شد و کشیش را پدر خواندند. همچنین میترایزم بعدها پایه ای شد برای ساختن فرامسونری در اروپا که از سده هفدهم به بعد گسترده شد.

با اینکه در گاتها از میترا نامی برده نشده ولی بخش دهم اوستا همه در باره میترا می باشد.

در ایران و کشورهای آسیای میانه از سده سوم میلادی به آن سو کم کم اندیشه زرتشت بعنوان یک جهان بینی واپسین دوران خود را می پیمود.

زبان گاتها فراموش شده بود و دین زروانی که«زمان را بالاتر از هر چیز می پنداشت» و دینی بود که پیش از زرتشت وجود داشت، خزنده وار جایگزین جهان بینی زرتشت شده بود. جنگهای تمام نشدنی میان ایران و رم هر دو امپراتوری را ناتوان کرده بود. و در این زمان بود که در سده هفت میلادی عربهای مسلمان با یورش خود به ایران که ۲۰۰ سال به درازا کشید فرهنگ ایرانی را در هم شکستند، کتابها را به آتش کشیدند و جهان بینی زرتشت که هنوز کمی از آن پا برجا مانده بود به دست فراموشی سپرده شد.

اگر در ایران و کشورهای آسیای میانه آتش زرتشت به خاموشی گرایید، در اروپا هیچگاه پژوهش و علاقه درباره اندیشه زرتشت کم نشد. حتی در قرون وسطای مسیحیت که تبلیغات ضد زرتشت بعنوان یک نماد ضد دین به اوج خود رسیده بود، روشنگران و خردگرایان اروپا دوباره زرتشت را بعنوان یک ابزار نبرد بر علیه کورگرایی و اختناق و خرافات به میان آوردند.
در سده پانزدهم میلادی یکی ازبزرگترین فیلسوفان دوران رنسانس یا رستاخیز فرهنگی اروپا، گرگوری پلوتن که نفوذ سیاسی زیادی هم در دربار امپراتوری بیزانس به دست آورده بود کوشش کرد که جهان بینی زرتشت را جایگزین سه دین یهودی، مسیحی و اسلام که در جنگ همیشگی باهم بودند بکند. با اینکه بسیاری از دولتمردان و خردگرایان آن زمان با او همراه شدند اما در این راه پیروز نشد. ولی توانست اندیشه زرتشت را وارد مکتب افلاتونی فلورانس(ایتالیا) بکند و آنرا پایه ای برای انقلاب رنسانس در اروپا گرداند و انسانگرایی(هومنیزم) را پی ریزی کند.
(ژ. دوشن گیمن: پاسخ غرب به زرتشت، رویه ۴، ح. لوی: انجمن زرتشت در امپراتوری رم، ۱۹۸۵ رویه های ۹۹ به بعد).
در دوران رنسانس و پس از آن، گرایش به زرتشت در میان روشن بینان اروپایی نه تنها کم نگردید بلکه بیش از بیش گسترده شد و بُعد دیگری به خود گرفت.

ولی سده ها بود که زبان زرتشت یعنی زبان گاتها فراموش شده بود و هر چیزی که از زرتشت گفته میشد نقل قول از دیگران بود.
بنابراین میبایستی به پژوهش پرداخت و زبان او را از نو کشف کرد.
در سده هفدهم زبانشناس فرانسوی، انکتیل دو پرون، پس از ۱۵ سال کوشش سرانجام زبان اوستا را کشف کرد و آنرا در سال ۱۷۷۱ در سه جلد در پاریس به چاپ رسانید.
ولی، اوستا سخنان زرتشت نبود. این کتاب از نوشتارهای پراکنده ای درست شده بود که سده ها پس از مرگ زرتشت حتی در دوران اسلامی بوسیله نویسندگان گمنامی نوشته شده بود. با این حال این کشف سرو صدای زیادی در اروپا به پا کرد و شور و هیجان بسیاری بوجود آورد.
خردگرایان اروپا در اوستا ابزاری را پیدا کردند که با آن میتوانستند دوباره در برابر خرافات کلیسای مسیحیت مبارزه کنند.
آنها میگفتند «حقیقت دیگردر انحصار کلیسا نیست. حقیقت را هم میتوان در یک آئین آریایی بسیار کهن تر از مسیحیت پیدا کرد».
در این نبرد روشنگرایان و فیلسوفهای بزرگ اروپائی مانند *ولتر، گوته، گریم، دیدرو، وون کلیست، بایرون، وورتسمیت، شلی، نیچه* و بسیاری دیگر وارد میدان نبرد شدند و نقاشان و آهنگسازان بزرگ هم به آنها پیوستند. آهنگساز بزرگ فرانسوی *ژان فیلیپ رمو* اپرای معروف خود را بنام «زرتشت» ساخت امدئوس *موزار* دیگر آهنگساز بزرگ، زرتشت را در اپرای خود «نی سحرآمیز» آورد و *ریچارد اشتراوس* سمفونی خود را بنام «آنچنان گفت زرتشت» در شکوه زرتشت آفرید.
(برای فهرست کامل نام و نوشتارهای نویسندگان و هنرمندان بالا به کتاب ژ،دوشن گیمن: پاسخ غرب به زرتشت، رویه ۱۶-۱۷ مراجعه کنید).
اینگونه برخوردها سبب گردید که کشیشان در برابر اوستا جبهه بگیرند و بگویند که ترجمه دوپرون ترجمه ایست دروغین که برای کوبیدن کلیسا به میدان آورده شده!

در برابر این ادعا سایر زبان شناسان هم از چهار گوشه اروپا وارد این نبرد اندیشه ای شدند. تنها سه سال بعد زبان شناس آلمانی کلوکرز با ترجمه دیگری از اوستا به دوپرون حق داد و ثابت کرد که ترجمه او درست است.
با این حال این نبرد به علت مقاومت کشیشان سی سال به درازا انجامید.
سرانجام تمام دانشمندان و زبان شناسان آن زمان در اروپا درست بودن اوستا را تایید کردند و این کتاب برای همیشه وارد آموزشهای علمی و دانشگاهی گردید.
با اینکه این پیروزی بسیار مهم بود ولی هنوز مساله سخنان زرتشت روشن نشده بود. در سال ۱۸۶۱ زبان شناس معروف مارتین هوگ که درباره اوستا پژوهش گسترده ای را آغاز کرده بود متوجه شد که ۱۷ بخش از ۷۲ بخش از یسنای اوستا (یسنا بخشی از اوستا است) به زبانی نوشته شده که از سایر بخشها بسیار کهن تر و شیوه نگارش آن به گونه ای دیگر است.
او بزودی پی برد که این زبان، زبان پارسی کهن است که نزدیک به دو هزار سال میشد که از یادها رفته بود.
سده ها بود که موبدان زرتشتی این ۱۷ بخش را از بر کرده و بدون اینکه معنی آنها را بدانند بعنوان سرود های مقدس در نیایشگاه ها میخواندند.
هوگ با کمک گرفتن از زبان سانسکریت که تازه در هند کشف شده بود، این ۱۷ بخش را از بقیه اوستا جدا و سپس ترجمه کرد.
پژوهشهای زبانشناسی و تاریخی بعدی بگونه ای شگفت آور ثابت کرد که این ۱۷ بخش یا ۱۷ سروده اندیشه بر انگیز نزدیک به ۴۰۰۰ سال پیش بوسیله بزرگ آموزگار، زرتشت سروده شده و واژه به واژه آن از زبان خود او بیرون آمده است.
با اینکه ترجمه گاتها در آغاز با نادرستی های زبان شناسی زیادی همراه بود. ولی این کشف دروازه بزرگی را بروی تاریخ اندیشه، فلسفه و تمدن جهانی گشود و ریشه بسیاری از دینها و فلسفه ها یی که فرهنگ جهانی را ساخته اند روشن کرد.

چند سال پس از ترجمه گاتهای زرتشت، یکی از بزرگترین فیلسوفان اروپا فردریک نیچه در سال ۱۸۸۳ شاهکار معروف خود «آن چنان گفت زرتشت» را در چهار جلد نوشت. این کتاب که امروز به تمام زبانهای دنیا ترجمه شده دیدگاه اروپاییان را نسبت بزندگی زیرورو کرد و فرهنگی نوین و مدرن را که تا امروز ادامه دارد به این قاره ارمغان نمود.

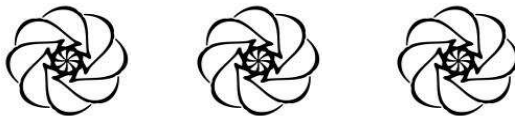
از آن پس نوشتارهای بسیاری بوسیله پژوهشگران غربی درباره تاثیر آئین زرتشت بر فرهنگ باخترزمین و دینهای یهودی و مسیحی و پیدایش رنسانس و مکتب هیومنیزم یا انسانگرائی در اروپا نوشته شد. از جمله کتابها و مقاله های مهمی که در این زمینه میتوان نام برد: «ریشه های دین ما (مسیحی) در ایران باستان» بوسیله لورنس میلز استاد دانشگاه اکسفورد. (انگلستان) در سال ۱۹۱۰، شارل اوتن، زرتشت، میترا و ریشه های آریائی مسیحیت، (فرانسه) ۱۹۳۵، ژ.و. کارتر، آئین زرتشت و تاثیر آن بر دین یهودی۱۹۱۸ (آمریکا)، ژک دوشن گیمن، پاسخ غرب به زرتشت، اکسفورد ۱۹۵۸ و بیش از ۲۵۰ کتاب و مقاله دیگر درباره تاثیر آئین زرتشت بر فرهنگ باختر از زمان فیثاقورث (سده ۵.پیش از میلاد) تا سده بیستم نوشته شد.
اگر تا آن زمان تمام این پژوهش ها بوسیله استادان و پژوهشگران غربی در سطح دانشگاهی انجام میشد، در سال ۱۹۷۶ این جریان حالت دیگری به خود گرفت.
در این سال، دومین شخصیت جهان کاتولیک پس از پاپ، کاردینال فرانز کونیک، اسقف بزرگ وین (اتریش) با ایراد یک سخنرانی فراموش نشدنی زیر عنوان «تاثیر آئین زرتشت بر فرهنگ جهان» همه را به شگفتی واداشت.
این نخستین بار بود که پس از ۲۰۰۰ سال تبلیغات و جبهه گیری مسیحیت در برابر زرتشت شخصیتی به این مهمی از دنیای مسیحی، با دانشی شگفت آور از تاثیر بنیادین جهان بینی زرتشت در جهان و بویژه در ادیان یهودی و مسیحی سخن می راند.

او در این سخنرانی دو ساعته و تاریخی، در برابر ۳۰۰ نفر از استادان و پژوهشگران و شخصیتهای فرهنگی و سیاسی که از سراسر دنیا به ایران آمده بودند گفت «بهترین بخشهای انجیل، کتاب مقدس مسیحیان، از اندیشه زرتشت سرچشمه گرفته و انجیل مدیون ایران است».

او ادامه داد «پژوهشگران گوناگون تاریخ ادیان، بویژه در آلمان کوشش کرده اند تا نقطه به نقطه ثابت کنند که مسیحیت از ایران سرچشمه گرفته است. ولی نکته ای که روشن می باشد اینست که هرکسی بخواهد عیسی و محمد را بشناسد، باید در جهان بینی زرتشت وارد شود. نقشی را که ایران در تاریخ ادیان بازی کرده است، خیلی بیشتر ازآن است که بسیاری تصور میکنند».

متن این سخنرانی، به چهار زبان فارسی، انگلیسی، فرانسه و آلمانی، بصورت کتابچه درآمده و در سطح گسترده ای بوسیله «کانون اروپائی برای آموزش جهان بینی زرتشت» پخش گردیده است.

کاردینال که زبان گاتها را به خوبی میدانست، با دلاوری آمیخته با دانشی بزرگ، کوشش کرد تا به دوهزار سال جبهه گیری دنیای مسیحیی در برابر زرتشت پایان دهد.



ای مزدااهورا،

به من بیاموز تا به دیگران بیاموزم،

و بگویم چگونه میتوان

یک زندگی شاد و خوشبخت را

پی ریزی نمود.

گاتها: سروده یکم، بند ۱۱

گاتها

سروده های اهورائی زرتشت

سرود یکم (یسنا، هات ۲۸)

نیایش زرتشت به اهورا مزدا
و در خواست نیرو
برای خوشبخت کردن زمین بارور

۱ـ با دستهای بر افراشته، ای **مزدا**،
بتو نیایش میکنم،
و با فروتنی از تو درخواست خوشبختی دارم.
باشد که همه کردارهای من،
با **خرد** و **اندیشه نیک**،
و هماهنگ با آئین **راستی** انجام گیرد،
تا تو را خشنود
و روان زمین بارور را خوشبخت سازم.

۲ـ پس، ای **مزدااهورا**،
با **اندیشه نیک** به سوی تو می آیم.
تا در پرتو **راستی**،
خوشبختی هر دو جهان، مادی و مینوی
را به من بشناسانی،
تا بتوانم آنرا به همراهان خود بشناسانم.

۳ـ ای **راستی**،
و ای **اندیشه نیک**،
من برای شما سروده هایی میسرایم
که پیش از این کسی نسروده،
و در این راستا،
آنها را به **اهورامزدا**
و به کسانی که نیروی **خود چیرگی** را
در جهان درونی خویش فرمانروا کرده،
و به گام **آرامش** پا نهاده اند
ارمغان میکنم.
پس بسویم آئید، و راز یک زندگی
شاد وخوشبخت را به من بیاموزید.

۴ـ من که روانم را با **اندیشه نیک**
هم آهنگ کرده ام،
میدانم که هر کاری در راه **اهورامزدا**
انجام گیرد پاداش خواهد داشت.
پس
تا زمانی که نیرو و توان دارم
به دیگران می آموزم
که در راه **راستی** بکوشند.

۵ ـ ای **راستی**، کی تو را خواهم دید؟
من که **اندیشه نیک** را دریافته ام،
کی میتوانم راهی را
که بسوی **اهورای** پیشبرنده میرود پیدا کنم
و به سروش راه نمای **مزدا** گوش فرا دهم؟
با چنین نیروی روشنی بخش ا ست
که ما،
دروغ را در دروغکاران خواهیم شکست
و آنها را وادار به گزینش
بخش پر فروغ زندگی خواهیم نمود.

۶ ـ ای **اندیشه نیک**،
بسوی من آی،و زندگی درازی را
که مُهر **راستی** به آن خورده
به من ارمغان کن.
ای **مزدااهورا**،
با سخنان پرفروغ خود،
بمن [زرتشت] و همراهانم،
پشیبانی پر توانت را نمایان کن،
تا بتوانم به دشمنی دشمنان خود پیروز گردم.

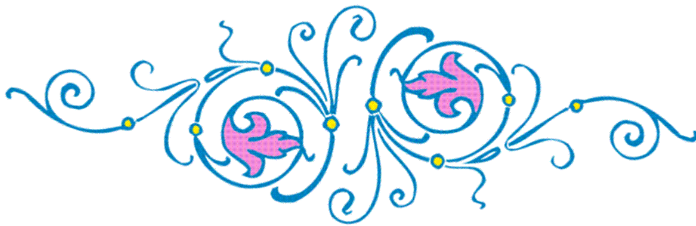
۷ ـ ای راستی،
پاداشی را که ارمغان اندیشه نیک است
بما ارزانی دار،
و تو ای آرامش،
آرزوهای گشتاسب
و همچنین مرا بر آورده ساز.
و سرانجام ای مزدا،
به همگی ما توانائی بخش تا بتوانیم
پیام تورا
با پیروزی در جهان گسترش دهیم.

۸ ـ با دلدادگی ای اهورا،
به سوی تو نیایش میکنم.
تو که بهترین و بهتر از همه
و با بهترین راستی هماهنگ هستی،
از تو میخواهم
که به فراشوستر ارجمند،
به من و به همه رهروان راه تو
بهترین اندیشه نیک را
جاودانه ارمغان کنی.

۹ ـ ای **اهورا**.
باشد که هیچگاه با بهره برداری نادرست،
از پاداشهائی که بما ارزانی کرده ای
تو را دل شکسته نکنیم،
و **راستی** و **اندیشه نیک** را نیازاریم.
ما در نیایش به تو،
همگی دست به دست هم داده ایم،
چون تورا
بالاترین سرور برای ستایش میدانیم.

۱۰ـ ای **مزدااهورا**،
آرزوی کسانی را که تو میدانی
هماهنگ با **راستی** و **اندیشه نیک** هستند
بر آورده کن،
و به آنها
پاداشی را که شایسته آنهاست ارزانی دار.
میدانم که تو،
سخنانی را که از عشق سرچشمه گرفته
بی پاسخ نخواهی گزاشت

۱۱ ـ ای مزدااهورا.
بمن که همیشه آئین راستی و اندیشه نیک را
کردار خود کرده ام بیاموز،
تا مینوی اندیشه تو را
آنگونه که از ژرفنای تو برمی خیزد،
و سخنان تو را
آنگونه که از زبان تو بیرون می آیند،
به دیگران بیاموزم،
و بگویم چگونه میشود
یک زندگی خوشبخت را پی ریزی کرد.



سروده دوم (یسنا.هات ۲۹)

بر گزیده شدن زرتشت به آموزگاری جهان
تا خوشبختی را به زمین ستمدیده باز گرداند

۱ـ روان زمین میگرید و به تو گله میدارد،
چرا مرا آفریدی؟
که مرا به اینگونه ساخت؟
و که اینهمه
خشم و سنگدلی و گستاخی را به من چیره نمود؟
و اکنون
چه کسی جز تو میتواند مرا پشتیبان باشد؟
مرا بسوی خوشبختی راستین راهنمائی کن.

۲ـ **اهورا** از **راستی** رای زنی کرد و پرسید:
آیا تو رها کننده ای می شناسی؟
رهبری که بتواند
زمین غمزده را به سوی خوشبختی ببرد؟
و اگر چنین کسی هست آن کس کیست؟
کسی که ما او را پشتیبان شده
و به او توان درهم شکستن دروغ دروغ گویان
و ستم ستمکاران را بدهیم.

۳ـ **راستی** به پاسخ گفت:
من در جهان
هیچ توانمندی که بخشی از او را بیدادگری
درست نکرده باشد نمی شناسم.
براستی ندانم کیست آن کس
که پشتیبان راستکردار
در برابر دروغکار باشد.
اگر چنین توانمندی را یافتم
بی درنگ بسوی او خواهم شتافت
و از او درخواست یاری خواهم نمود.

۴ـ **مزدااهورا**
آن آگاه ترین آگاهان،
خوب میداند که پیروان خدایان دروغین
در گزشته چه ها نمودند،
و در آینده نیز چه ها خواهند کرد.
چون اوست تنها داور،
پس خواست او،
همان خواهد شد.

۵ ـ پس من و روان زمین بارور
با دستهای بر افراشته به اهورا نیایش میکنیم
و از مزدا میپرسیم:
«آیا برای درستکارانی
که در میان تبهکاران زندگی میکنند
آینده ای وجود دارد»؟

۶ـ و اهورامزدا، هستی بخش خرد،
در برابر این پرسش، پرسشی دگر میکند:
«آیا تو یک رهبر یا یک آموزگاری
که خرد را با راستی
هماهنگ کرده باشد می شناسی»؟
«مگر آرمان آفریدگار جهان
برای به هستی آوردن تو این نیست که
نگهدار و نگهبان جهان باشی»؟

۷ـ از این روی،
اهورامزدا، هماهنگ با راستی،
پیامی اندیشه برانگیز برای پیشرفت جهان
و برای نگهبانی کسانی
که نیاز به نگهبانی دارند آماده کرد،
و از اندیشه نیک رایزنی نمود:
«کیست آنکس که بتواند به مردم یاری دهد»؟

۸ ـ «من تنها یکی را میشناسم،
که به آموزشهای ما گوش فرا داده است
و او،زرتشت اسپنتمان است».
«او آماده است
تا مینوی پیام تو را با سروده های خود،
در پرتو راستی،به مردمان برساند».
«پس ای مزدا به او شیوائی سخن بخش».

۹ـ روان زمین باز خروشید و گفت:
«آیا من باید کمک مرد ناتوانی را بپزیرم
که با سخنان بی جان خود میخواهد پشتیبان من باشد»؟
«مرا به راستی، نیاز به سرداری تواناست،
و کی چنین کسی پیدا خواهد شد،
و کی دستهای توانای خود را بمن دراز خواهد کرد»؟

۱۰ـ من،زمین بارور
بتو ای اهورا،نیایش میکنم،
تا با نیروی راستی و اندیشه نیک
به وی توانائی دهی تا بتواند،
مرا بسوی آرامش و آبادی راهنمائی کند،
و او،ای مزدا،برترین آفریده تو خواهد بود.

۱۱ـ کجائید؟

ای **راستی**،ای **اندیشه نیک**.

وای نیروی **خود چیرگی**.

کی به من روی خواهید نمود؟

و تو ای **مزدا**.

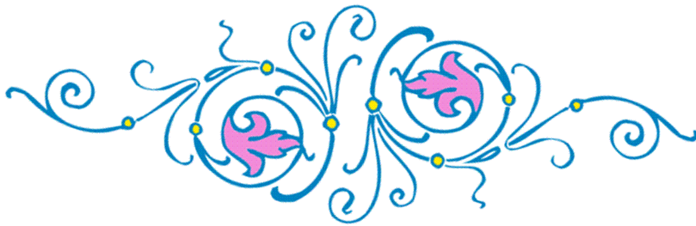
کی **انجمن بزرگ مغان** را با دانائی خود

رهنمون خواهی شد؟

ای **اهورا**.

ما چشم براه مهر و یاری تو هستیم،

بسوی ما آی.



سرود سوم (یسنا.هات ۳۰)

گزینش میان خوب وبد
وتازه و نو کردن جهان

۱ـ اکنون سخن میگویم،
به شما ای جویندگان **خرد**
و به شما ای خردمندان،
از دو نهاده بنیادین،
و می ستایم،
اهورا و **اندیشه نیک** را،
و **خرد** و آیین **راستی** را
تا فروغ و روشنائی را در یابید،
و با گزینش درست،
به شادمانی و خوشبختی رسید

۲ـ پس،
پیش از رویداد بزرگ گزینش
بهترین گفته ها را به گوش بشنوید
و با چشم **خرد** بنگرید
و با آگاهی،هر یک از شما،
مرد یا زن از این دو راه یکی را برگزینید

۳ـ اینک،آن «دو نهاده بنیادین مینوی» که همزادند،
و در آغاز در اندیشه پدیدار گشتند،
یکی نیکی را می نماید و آن دیگری بدی را
و از این دو،
دانا نیکی را گزینش کرده و نادان بدی را

۴ـ و آنگاه که در آغاز،
این دو نهاده بنیادین مینوی بهم رسیدند،
زندگی و نازندگی را پدید آوردند
و تا پایان هستی چنین باشد که
بدترین زندگی از آن پیروان دروغ،
و بهترین زندگی
از آن پیروان راستی خواهد بود.

۵ ـ از این دو مینوی نا همگون
پیرو دروغ بدترین کردارها را برمی گزیند
و آنکه درست ترین اندیشه ها را دارد
برای خشنودی **اهورامزدا**.
راستی را گزینش کرده.
و از آن با استواری نگهبانی می نماید.

۵ ـ از این دو نهاده بنیادین،
پیروان دروغ **راستی** را بر نمی گزینند
زیرا هنگام دودلی در گزینش،
فریب برایشان چیره میگردد.
و از این رو،
به بدترین اندیشه ها روی می آورند
و به سوی خشم می شتابند
و زندگی مردمان را به تباهی میکشند.

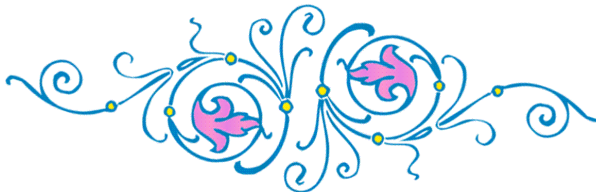
۷ـ و به آنکه
راه درست گزینش کند،
نیروی **راستی** و **اندیشه نیک**
همراه با توانائی برخاسته از
به **خود چیرگی**.به او روی خواهند نمود
و به روان او **آرامش** خواهند بخشید.
این چنین کسی از رهروان تو است،
چون از آزمون گزینش پیروز بیرون آمده.

۸ ـ و زمانیکه بد اندیشان،
به وسیله کردار خود تنبیه شدند
آنگاه،ای مزدا،
فروغ تو از راه اندیشه نیک
بر آنها خواهد تابید.
و آنها خواهند آموخت چگونه
از دروغ برهند،و به راستی روی کنند.

۹ـ باشد تا از کسانی باشیم
که جهان را
هردم نو کنند و تازه گردانند.
تو ای آورنده داد وخرد،
که در پرتو راستی،
خوشبختی به ما ارمغان میکنی
باشد که ما،
آئین و باورهای خود را
در روشنائی خرد
و شناخت درست پرورش دهیم.

۱۰ـ چون با چنین دانائیست
که ما،
نیروی فریب را در هم خواهیم شکست
و باکوشائی و نیکنامی
در جایگاه بهشت آسای
اندیشه نیک و راستی
با مزدا یگانه خواهیم شد.

۱۱ـ در آن زمان
که کارکرد این دو نهاده نیکی و بدی را،
که به اراده مزدا استوار شده اند،در یابید،
خواهید دید،
که خوشبختی جاودانی برای راست کردار
و رنج دراز برای فریب کار خواهد بود



سروده چهارم (یسنا.هات ۳۱)

آزادی اندیشه
و گزینش آ ئین به دلخواه خود

۱ـ ای جویندگان دانش،
اکنون برای شما سخنانی میگویم،
و آموزشهائی را آشکار میکنم
که پیش از این کسی نگفته است
این سخنان،بی گمان،
برای آموزش دهندگان دروغ
که جهان **راستی** را به تباهی می کشند
ناگوار است.
ولی برای رهروان راه **مزدا**
خوشترین میباشد.

۲ـ از آنجائیکه آموزشهای دروغین
چشم **خرد** را کور کرده،
و راه بهتر را از دیده ها ربوده،
پس من،
چون آموزگاری که برگزیده **مزد**است
به سوی شما می آیم،تا هر دو گروه را،
درستان و نادرستان را بیاموزانم
که چگونه هماهنگ با **راستی** زندگی کنند

۳ـ ای مزدا،
آن خوشبختی درخشان را که در پرتو راستی،
به هر دو گروه نوید داده ای
و آن آئینی را
که برای فرزانگان به هستی آورده ای
با گفتار خود،
برای رهروان راهت آشکار کن
تا من، همه مردمان را
به سوی آن فرا خوانم

۴ـ ای مزدا،
ای راستی، و ای آرامش،
پس ما که رهروان راه شما هستیم
با داد و دهش خود،
ما را از نیروی خود چیرگی
توانا کنید،
تا با گسترش آئینی که از شما بر خواسته
بر دروغ و آئین فریب چیره گردیم.

۵ـ ای اهورا مزدا،
به من بگو راه برتر کدام است،
تا در پرتو راستی و اندیشه نیک
بتوانم،
آئینی را که برای من بهترین است، برگزینم
و به بالاترین گام فرزانگی و خوشبختی برسم،
و در این روند،
با بینشی ژرف و گسترده،
راز رخداد های زندگی را در یابم

۶ـ بهترین خوشبختی از آن کسی خواهد بود
که راز خوشبخت زیستن را
به دیگران بازگو کند
تا زنان و مردان،
به رسائی و بالندگی جاودانه ره ببرند.
اهورامزدا،
در پرتو اندیشه نیک،
نیروی چنین کسی را افزون خواهد نمود.

۷ـاوست که در آغاز
با اندیشه اش
شادمانی و **آرامش** را از نیست به هست آورد،
و با **خردش**.
هنجار جهان را بر پایه **راستی** آفرید
تا **اندیشه نیک** را نگهبان باشد.
ای **اهورا**.
با **خرد** بیکران خود
نیروی اندیشیدن و آفریدن
را که در ما بسستی گرائیده،
روان گردان و آنرا فزونی بخش،
تا راه ما فروزان و زندگی ما شکوفا گردد.

۸ـ ای **مزدا**
آن زمان که تو رابا اندیشه ام شناختم
دریافتم که
توئی سرآغاز و سرانجام هر چه که هست،
و توئی سرچشمه **اندیشه نیک**
و آنگاه که تو را با چشم دل دیدم،
دانستم که توئی آفریدگار راستین **راستی**
و توئی داور کردار مردمان

۹ـ ای اهورامزدا
دانستم که
از توست آرامش و سرخوشی
که از توست خرد هستی آفرین.
تو به زنان و مردان آزادی گزینش دادی
تا آموزگار راستین خویش را برگزینند
و از رهبر فریبکار سر بتابند.

۱۰ـ چون،
از میان دو رهبر را ستین و دروغین،
تنها رهبر را ستین است
که آبادگر و درست کردار می باشد
و اندیشه نیک را گسترش می دهد.
ای مزدا،
هرگز رهبری فریبکار و ویرانگر
با وانمود به راستی و درستی
نمی تواند آورنده پیام تو باشد.

۱۱ـ ای مزدا
زمانی که تو در آغاز با ا ندیشه خویش
تن و خرد و وجدان برای ما آفریدی
و جان به تن ما دمیدی
و ما را به گفتار و کردار توانائی دادی،
خواستی که ما باور و آئین خود را
با آگاهی و به دلخواه خود برگزینیم.

۱۲ـ و به هنگام این گزینش بزرگ،
زمانی که چه زن و چه مرد،
چه را ستکار وچه فریبکار،
و چه دانا وچه نادان،
به درون خود میروند تا از خود پرسش کنند
و آنچه را در دل و ا ندیشه دارند
به زبان آورند،
تو ای آرامش.
نیروی خود را در درون ما بر افروز
تا دو دلی را از خود دور نموده،
و راه و آئین خود را آنگونه که پسند ما ست
گزینش کنیم.

۱۳ـ ای مزدا
تنها توئی
که با خرد بیکران خود،
همه چیزرا
بر پایه روند هستی
می پائی و می بینی و می سنجی
و توئی که میدانی چرا گناهی ناچیز
گاهی کیفری سخت دارد.

۱۴ـ به من بگو، ای اهورامزدا
در روند زندگی هر کس،
چه در گزشته و چه در آینده،
پیرو راستی را چه پاداشی است؟
و دروغکار را چه سزائی خواهد بود؟

۱۵ـ باز مرا بگو، ای اهورا
چیست سزای کسی که به تبهکار نیرو میدهد؟
و چه خواهد بود کیفر آن کس
که پیروان رهبر را ستین را آزار دهد،
وآنها را از او دور کند

۱۶ـ ای مزدااهورا.
به من بگو،
زن یا مردی، که با دانائی و اندیشه نیک
برای پیشرفت و آبادانی خانه و شهر و کشورش
و برای گسترش آئین راستی می کوشد
کی و چگونه به تو خواهد رسید؟

۱۷ـ از راستکردار و دروغکار
کدام یک راه درست را برگزیده است؟
بدرستی این راستکار روشن بین است
که مردمان را آگاهی میدهد،
تا تبهکارنتواند مردمان را با فریب،
به کژ راهی کشاند.
پس ای **اهورامزدا.**
تو اندیشه نیک را در ما نمایان کن.

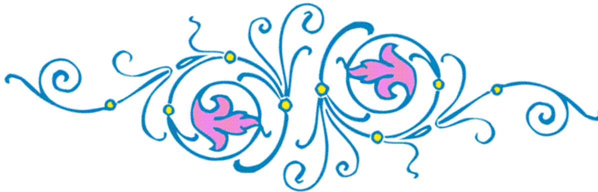
۱۸ـ بنابراین، هرگز،
به گفتار تبهکار گوش فرا ندهید
چون فریبکار بی گمان
خانه و ده و شهر و کشور را
به ویرانی و تباهی می کشد.
پس
در برابر تبهکار بایستید
و با او نبرد کنید.

۱۹ـ ای مزدا
باشد که مردمان
به سخن خردمندی گوش دهند که
به زندگی مردم سامان بخشد،
و درا ندیشه و گفتار و کردار خود،
درست و شیوا و توانا باشد.
وآنکس که،
در پرتو خرد روشنی بخش تو
از روی داد و میزان داوری کند.

۲۰ـ چون جایگاه کسی که
به راستی روی نماید،
درسرای پر فروغ تو خواهد بود
و آنکس که دروغ را برگزیند
زندگی را، تا دیرگاه،
در تیرگی و کوردلی و افسوس
به سر خواهد برد.
سرانجامی که
برخاسته از کردار و رفتار اوست.

۲۱ـ اهورامزدا،
نیروی **راستی** و یاری **اندیشه نیک**
و سر انجام **رسائی** و **جاودانگی**.
را به کسی ارزانی می دارد،
که در اندیشه و کردار،
از رهروان راه او باشد.

۲۲ـ و این آئین را به کسی ارمغان، میکند
که در اندیشه و گفتار و کردار خود
راستی را می پروراند
و از آن پشتیبانی میکند.
ای **مزدااهورا**
چنین کسی نزد تو شایسته ترین یاور
و راهنمای مردمان است.



سروده پنجم (یسنا، هات ۳۲)

آموزش بد و آموزگار فریبکار

۱ـ ای **اهورامزدا**
برای رسیدن به یک زندگی خوشبخت،
خانواده ها، خویشاوندان و مردمان کشور،
بتو نیایش میکنند
و فریبکاران تبهکار هم،
دیر یا زود، به تو روی خواهند نمود.
باشد که ما، ای **مزدا**،
با رساندن پیام تو به بد خواهان،
آنها را از دشمنی به پیروان تو باز داریم.

۲ـ **اهورامزدا**
از راه **اندیشه نیک**
به نیایش کنندگان پیام میدهد:
ما **آرامش** پیشبرنده را
که زائیده نیروی **خود چیرگی** است و
با **راستی** درخشنده همگام است،
ستایش میکنیم، وآنرا برای شما بر میگزینیم
چون در این راه
او برای شما یاوری نیرومند خواهد بود.

۳ـ ولی شما ای فریبکاران دیو منش،
و آنهائی که از سر نادانی شما را می ستایند،
همه دارای سرشتی پلید و بی ارزش هستید
و این کردار فریبکارانه،
شما را در هفت کشور
به بدی زبانزد کرده است.

۴ـ زیرا اندیشه مردم را
شما چنان پریشان کرده اید
که از خرد و اندیشه نیک
روی گردان شده،
از راستی و دادگری دوری گزیده
و زندگی خود را به تباهی کشانده اند.

۵ـ بدینگونه
شما با دروغ و نیرنگ خود
و نوید فریبانه به کسانی
که چیرگی دروغ را پزیرفته اند،
مردم را فریب میدهید،
و آنها را از زندگی خوشبخت
و جاودانه باز میدارید.

۶ـ شاید هم بداندیش با کردار خود
به کامیابی برسد و نام ور گردد،
ولی تو ای اهورامزدا
که همه چیز را به یاد داری،
در راستای اندیشه نیک خوب میدانی،
که در پرتو رهبری توست که سرانجام
آئین راستی و دادگری پیروز خواهدگردید.

۷ـ زیرا کامیابی را نمیتوان
با بکار بردن زور بدست آورد
همان گونه که
آزمون کردن مردم را با فلز گداخته
نمیتوان پیروزی نامید
ای اهورا مزدا.
از سرانجام این آزمایش
تو بهتر از همه آگاهی

۸ـ از کسانی که به بدکرداری
متهم گردید حتی جمشید ویونگهان بود،
که گویند،
برای خوش آمد مردم گوشت خواری کرد،
و به چنان آزمونی فرا خوانده شد.
ای مزدا.
من تنها داوری تو را پزیرا هست

۹ـ آموزگار بد پیام راستین را بر میگرداند،
و با گفتارش خرد و اندیشه نیک را پریشان،
و شیوه درست زندگی را تباه میکند.
بدین سان، ای مزدا و ای راستی،
من با سخنانی که از دل بر می خیزد
در برابر این گونه گفتار ها خواهم ایستاد.

۱۰ـ چون، چنین آموزگاری،
با واژگون کردن سخنان درست
اندیشه روشن را تیره میگرداند
و مردمان را به گمراهی می کشاند.
او نگریستن به زمین و خورشید را
باچشمان باز از بدترین گناهان می شمارد،
آبادیها را ویران می سازد،
و با هواداران دروغ با درستکاران پیکار میکند

۱۱ـ چنین آموزگارانی بد نهاد،
که ویران کننده زندگی میباشند،
با خود نمائی به بزرگی،
و وانمود کردن به نیک کرداری،
به دارائی مردم دستبرد می زنند.
آنانند، ای مزدا
که راستکاران را از بهترین اندیشه ها
دورنگه میدارند.

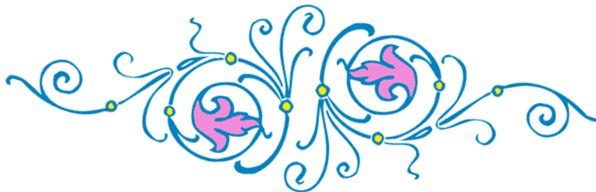
۱۲ـ این کسان،
که با آموزشهای دروغین،
مردم را از بهترین کردار دور می کنند،
که زندگی مردم را
با گفتار فریبنده تباه می سازند،
و پیشوایان فریبکار دین و
رهبران سیاسی (دنیوی) آشوبگر را
برمیگزینند،
کسانی هستند که با پیوستن به نیروی دروغ،
کوشش خواهند کرد
تا از گسترش آئین راستی جلوگیری نمایند.

۱۳ـ زیرا،پیرو دروغ که
در جایگاه بدترین اندیشه قرار دارد،
در آرزوی نیروئی است که ویران کننده باشد.
ولی سرانجام کردار او،
او و زندگی او را به تباهی خواهد کشانید.
و آن زمان است، ای مزدا.
که او با ناله و زاری،
خواهان پیام تو می گردد،
پیامی که راستی را در برابر دروغ
پیروز خواهد نمود.

۱۴ـ گروه دشمنان،
با یاری فرمانروایان دیو منش
نیرو و خرد خود را
برای جلوگیری از گسترش پیام تو
به کار انداخته اند
آنان،
از تبهکاران یاری می جویند
تا جهان را به تباهی کشانند،
و ایزد هوم به یاری آنان آید.

۱۵ـ بدین سان
پیشوایان دینی دروغین
و فرمانداران خودکامه
که هیچ گاه
برای مردم زندگی آزاد و دلخواه
روا نمی داشتند
به دست همان مردم از پای خواهند آمد.
مردمانی که در پرتو اندیشه نیک.
سرانجام به رسائی
و سپس به جاودانگی راه خواهند یافت.

۱۶ـ براستی،
آموزش درست و خردمندانه آموزگار آگاه
بهترین چیزهاست.
ای مزدااهورا،
تو میتوانی مرا از آزار دشمنانم برهانی.
همانگونه که من می کوشم
تا پیروان راه تو را
از آزار هواخواهان دروغ برهانم.



سروده ششم (یسنا، هات ۳۲)

ای اهورامزدا خود را به من بنمای

۱- رهبر باید،
بر پایه راستی، که آئین بنیادین هستی است،
چه با دروغکار و چه با راستکار،
و چه با آنانکه کردار نیک و بد را
در خود آمیخته ا ند،
با درست ترین دادگریها داوری کند.

۲- و هرکس،
که با اندیشه و گفتار و کردار،
با تبهکار می ستیزد،
و یا به او و پیرو او راه نیک می آموزد
خواست مزدا را به جای می آورد.

۳- ای اهورا،
کسی که با راستکاران،
چه خویشاوند باشد، چه همکار و چه یاور،
بهترین رفتار را داشته باشد،
و کسی که با کوشش خود جهان را به پیش ببرد
چنین کسی،در سرای راستی و اندیشه نیک جای میگیرد.

۴ـ پس ای مزدا،
من که ستایشگر جاودانه توام،
بداندیشی و بد کرداری
را از تو دور نگه خواهم داشت،
و در این راستا،
بدمنشی را از خویشاوندان،
رشک و بد دلی را از همکاران،
نکوهش و سرزنش را از مردمان شهر
و دشمنی و دروغ را از پهنه گیتی
پاک خواهم نمود.

۵ـ و در این راه،
برای دست یافتن به آرمان پایانی خود،
و رسیدن به زندگی دراز،
وپیوستن به نیروی اندیشه نیک.
آوای درونی سروش را که برترین آواهاست،
به یاری خواهم گرفت.
و با نهادن گام در راه درست و استوار راستی
به جایگاه فرمانروائی تو ای اهورامزدا
خواهم رسید

۶ـ چون،
منم آن نیایشگر استوار به **راستی**
که با بهترین اندیشه ها،
و با مهر بیکران به تو،
آنچنان که تو میخواهی
به راهنمائی و آبادگری مردم خواهم شتافت.
ای **اهورامزدا**.
می خواهم تو را ببینم
و هم پرس و هم گوی تو باشم.

۷ـ ای **مزدا**ی بهترین،
به سوی من آی و خود را به من بنمای،
تا در پرتو **راستی** و **اندیشه نیک**.
سخنان خود را بیرون از **انجمن مغان**
به گوش دیگران نیز برسانم.
باشد که،
آنچه بایسته ماست،
و نیایشی که شایسته توست
برای ما نمایان گردد.

۸ـ ای مزدا،
آرمانی را که من باید به آن برسم
به من بشناسان،
تا در پرتو اندیشه نیک،
به آن دست یابم
و نیایش همچو توئی را
از راه راستی با پایداری به جای آورم.
ای مزدا،
رسائی و جاودانگی را به من ارزانی دار.

۹ـ ای مزدا،
میدانم که در پرتو اندیشه نیک
میتوان با نیروی مینوی
خرد و روشنائی درونی که از توست
به دو فروزه همراه و پیشبرنده
رسائی و جاودانگی رسید
و از نیروی بیکران آنها
برخوردار گردید

۱۰ـ ای **مزدا**،
همه خوبیها ی زندگی،
همه شادابی ها و همه خوشبختی ها
چه آنهایی که بودند و هستند و خواهند بود،
همه از توست.
پس با مهر بیکران خود،
و در پرتو **اندیشه نیک** و **راستی**
و نیروی خود **چیرگی**،
ما را از آنها بهره مند کن.

۱۱ـ **اهورامزدا**
تو که تواناترین هستی،
و تو ای **آرامش**، ای **راستی** پیش برنده،
ای **اندیشه نیک** و ای نیروی **خود چیرگی**،
به من گوش فرا دهید،
و آنگاه که زمان پاداش فرا رسد،
مرا نیز از مهر خود سرشار کنید.

۱۲ـ ای **مزدا**،
خود را به من بنما
و مرا با نیروی **راستی** استوار به خود گردان،
تا در پرتو **اندیشه نیک**،
از پیشبرنده ترین **خرد** بهره مند شده،
و با نیروی خود **چیرگی** به گام **آرامش** رسم
و یک زندگی شاد را از تو به ارمغان بگیرم.

۱۳ـ ای **اهورای** همه جا بین،
یاریم ده تا با مهر بیکران تو،
که از **اندیشه نیک** برمی خیزد،
به من خوشبختی و شادمانی روی آورد.
و تو ای **آرامش**، در پرتو **راستی**،
درون مرا پرفروغ کن.

۱۴ـ اکنون **زرتشت**،
تن و جان و چکیده بینش خود را
که از **اندیشه نیک** بر خواسته،
به **مزدا** ارمغان میکند
و کردار و گفتار و بینش
و همه نیروی مینوی خود را،
به **راستی** پیشکش می نماید.

سروده هفتم(یسنا، هات ۳۴)

جائی که اهورامزدا هست
خرد هم آنجا ست

۱ـ ای **اهورامزدا**،
اندیشه و گفتار و کرداری
که در پرتو **راستی**
مردمان را به **رسائی** و **جاودانگی**
می رساند،
همه را در آغاز، و در راه تو،
به زنان ومردان ارمغان میکنم.

۲ـ کسی که
همه اندیشه و کردار خود را
تنها در راه تو انجام میدهد،
همیشه با **راستی** پیشبرنده همگام است
باشد که ای **مزدا**،
با نیایشهای خود بتو نزدیک شوم.

۳ـ ای **اهورامزدا**،
آنچه شایسته تو و در راه **راستی** است
با نیایش به تو پیشکش میکنم.
باشد که همه زنان و مردان،
در پرتو **اندیشه نیک**
و با نیروی **خودچیرگی** به گام **رسائی** رسند.
ای **مزدا**،
نیروی مینوی تو به کسی میرسد که
از **خردی** که تو پیشکش کرده ای بهره گیرد،

۴ـ پس،
ما در پرتو **راستی**،
فروغ پر توان تو را میجوئیم
آن فروغ نیرومندی که
پیروان **راستی** را جاودانه راهنمائی میکند،
و با توانائی و بینشی ژرف
از آزار و دشمنی بدخواهان دور میدارد.

۵ـ ای **مزدا**.
آیا روزی خواهد آمد که
همراه با **راستی** و **اندیشه نیک**.
رهروان راه تو را
آنگونه که باید یارو یاورشوم؟
و با کار و کوشش در راه تو
به تو بپیوندم؟
من که تو را برتر از همه میدانم،
از خدایان دروغین و مردمانی را که
آنها به گمراهی کشانده اند
دوری می جویم.

۶ـ ای **مزدا**.
ای **راستی** و ای **اندیشه نیک**
اگر من شما را
آنگونه که هستید دریافته ام،
پس مرا در فرازو نشیب های زندگی
راه بنمائید،
تا با آوای بلند،
ستایش کنان و نیایش کنان
به سوی شما آیم

۷ـ ای مزدا،
کجایند آن دلدادگان پابرجای تو،
آنانی که با اندیشه نیک،
از آئین گرانبهای تو آگاهند،
و آنرا،
چه در رنج و چه در خوشی
با هوشمندی بکار میگیرند؟
ای اهورامزدا،
تو تنها آشنای منی،
پس، در پرتو راستی
مرا یار و یاور باش.

۸ـ ای مزدا،
فریبکارانی که با ستمشان ما را می آزارند،
خوب میدانند که آسیب پزیر ند.
زیرا آنها چیزی،
جز تباهی و ویرانی، برای مردم ندارند.
از این روست که،
از اندیشه نیک می گریزند،
وبا آئین تو دشمنی می ورزند،

۹ـ ای **مزدا**،
کسانی که با بدکرداری
و با دوری از **اندیشه نیک**،
آرامش نیرو زا را از دست میدهند
از راستی به همان اندازه دور هستند
که گمراهان بی خرد از ما.

۱۰ـ خردمند می گوید،
هرکاری را بر پایه **اندیشه نیک** کنید،
و آئین **راستی** را که بنیاد **آرامش** است
نگهدار باشید و بدانید که،
در جائی که پرتو ا**هورامزد**ا میدرخشد،
خرد هم خود را نمایان خواهد نمود.

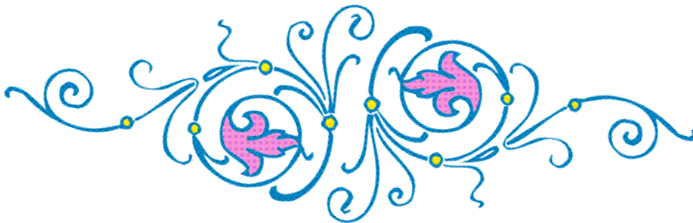
۱۱ـ ای **مزدا**،
دو فروزه **رسائی** و **جاودانگی**
که تو به مردمان ارمغان کرده ای
رهروان تو را به روشنائی خواهند رسانید.
و در این راه،
اندیشه نیک و **راستی** و **آرامش**
آنها را پایدار و استوار خواهند نمود
و نیروی **خودچیرگی** به آنها توانائی خواهد داد.
با چنین نیروهائی که از تو بر می خیزند،
ما بر دشمنان چیره خواهیم شد.

۱۲ـ ای مزدا،
خواست تو چیست؟
و کدام است ستایش و نیایشی که بایسته توست؟
به ما بگو،
تا پاداش دستورهای تو را دریابیم
و در پرتو راستی،
خودشناسی و نیک منشی را بیاموزیم.

۱۳ـ ای اهورامزدا،
این راهی که تو به من نمایان کردی
همان راه اندیشه نیک
وآموزش سوشیان های رهائی بخش است.
و آن چنین است که،
هر کرداری که بر نیکی استوار می باشد،
در پرتو راستی به خوشبختی می انجامد.
این پاداش را تو به خرد پیشگان ارمغان میکنی.

۱۴ـ ای اهورا،
بیگمان، کسانی از پاداش تو بهره مند میشوند
که در این زندگی،
با اندیشه نیک و از روی خرد
در آبادانی و پیشرفت و شکوفائی زمین بارور بکوشند
و در پرتو راستی،
آئین نیک تو را گسترش دهند.

۱۵ـ ای **اهورامزدا**.
به یاری **اندیشه نیک** و **راستی**،
تو را سرانجام خواهم شناخت
و زیباترین گفتار و بهترین کردار را
از تو خواهم آموخت،
و در این راستا،
با بهره گیری از**خرد** و در پرتو **راستی**،
دیدگاه خود را به زندگی تازه و نو
خواهم نمود



سروده هشتم (یسنا. ها ت ۴۳)

خوشبختی از آن کسی است
که به دیگران خوشبختی بخشد.

۱ـ **اهورامزدا**ی توانا
آئین هستی راچنین بر نهاده
که خوشبختی از آن کسی است
که به دیگران خوشبختی بخشد.
پس ای **راستی**.
برای گسترش این آئین جاودان
به من نیروی تن و روان ده
تا در پرتو**آرامش**.
یک زندگی خوشبخت را پی ریزی کنم.

۲ـ زیرا،
بهترین زندگی برای کسی است
که به سوی روشنائی رود،
و بدیگران روشنی بخشد.
پس ای **اهورامزدا**.
با **خرد** بیکران خود، و در پرتو **راستی**.
دانش برخاسته از **اندیشه نیک** را به ما بنما
تا زندگی ما دراز، و هر روز آن
از شادی و خوشی سرشار گردد.

۳ـ پس براستی،
بهترین نیکیها به کسی خواهد رسید،
که در زندگی مادی و مینوی،
راه راست خوشبختی را
به مردمان،که آنها را به سرای
اهورامزدا میرساند،
نشان دهد.
چون در این راه خودسازی است،
که او هم همچو تو، ای مزدا
آزاد، و دانا و افزاینده خواهد گشت.

۴ـ ای مزدا،
هنگامی تو را توانا و افزاینده شناختم،
که دریافتم،
تو با نیروی خود پیوسته با ما ئی
و هر دم یار و یاور ما میباشی،
و با فروغت، که بر راستی استوار است،
به دلهای ما گرمی می بخشی و ما را
از توان اندیشه نیک
برخوردار میگردانی
و پی بردم،
توئی که دروغکاران و راستکاران را
به کیفر و پاداش میرسانی.

۵ـ ای **اهورامزدا**.
آنگاه تو را افزاینده شناختم،
که تو را سر آغاز زندگی دیدم،
و دریافتم،
که تو برای هر گفتار و کرداری
پاداش بر نهاده ای
بدی برای بدان و نیکی برای نیکان
واین آئین،
در پرتو سازندگی و **خرد** تو
تا انجام آفرینش و پایان زندگی
به جای خواهد ماند.

۶ـ ای **مزدا**.
جائی که **خرد** پیشبرنده تو منزل گیرد،
نیروی **خود چیرگی** و **آرامش**
جهان را به سوی **راستی** خواهند کشید،
و **اندیشه نیک**.
آئین **خرد** راکه در آن
برای فریب راهی نیست
به جهانیان خواهد آموخت.

۷ـ ای **اهورامزدا**
هنگامی تو را پیشبرنده شناختم که،
اندیشه نیک به من فرود آمد وپرسید:
«که هستی و از کیستی»؟
و در برابر سردرگمی روزانه زندگی،
و درباره جهان و خودت
چه راهی پیدا کرده ای؟

۸ـ نخست به او گفتم «من **زرتشتم**»،
یاور نیرومند راستان،
و دشمن سرسخت دروغکارانم،
و تا زمانی که
مردمان به فروغ تو راه نیابند
می خواهم، ای **مزدا**.
با تمام توان خود
ستایشگر و درودگوی تو باشم.

۹ـ ای **اهورامزدا**.
آنگاه تو را پیشبرنده شناختم که
اندیشه نیک به من روی آورد و پرسید:
«به که نیایش میکنی»؟
گفتم به **راستی** نیایش میکنم،
و تا تاب و توان دارم،
در جستجوی او خواهم بود.

۱۰- پس ای مزدا.
مرا به سوی راستی.
که در جستجویش هستم،
راهنمائی کن،
و با آرامش همراه و همگامم نما.
از خواسته های خود مرا بپرس
و مرا بیازمای،
چون پرسش و آزمون توست
که میتواند به من دانائی و نیرو بخشد.

۱۱- ای مزدا
هنگامی تو را پیش بر و افزاینده شناختم
که اندیشه نیک به من روی آورد،
و من، از سخنان تو آموختم و دریافتم
که گسترش آئین تو در میان مردمان
دشوار است.
ولی من،
آنچه را که نزد تو بهترین است
به انجام خواهم رساند.

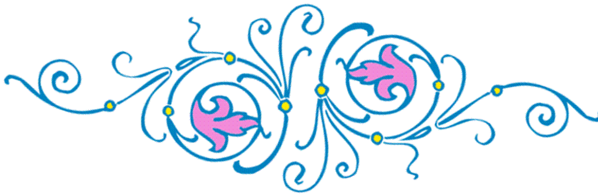
۱۲ـ آنگاه به من گفتی،
تا آئین راستی را آموزش دهم،
و از نافرمانان ناامید نگردم،
و بکوشم تا آوای ره گشای سروش را
در درون خود بشنوم،
و در پرتو روشنائی آن دریابم
که به هر دوگروه، نیکان و بدان،
پاداش و کیفر بایسته داده خواهد شد.

۱۳ـ ای مزدا،
هنگامی تو را پیش بر وافزاینده شناختم
که اندیشه نیک به من روی آورد
و پرسید: «آرزوی تو چیست»؟
ومن به او گفتم:
مرا زندگی درازی آرزوست،
تا بتوانم در برابر دروغکاران بایستم
و بر آنان پیروز شوم.

۱۴ـ ای مزدا.
همانگونه که دوستی
به دوست خود شادمانی می بخشد،
تو نیز با خرد پر توانت
و در پرتو راستی،
به پیروان من شادمانی ارزانی دار.
با چنین مهر نیروزائی است،
که من به پا خواهم خواست
تا ازکسانی که سخنان اندیشه برانگیز تو را
گسترش میدهند،پشتیبانی کنم.

۱۵ـ ای اهورامزدا.
هنگامی تو را
پیش بر و افزاینده شناختم که
اندیشه نیک به من روی آورد،
و مرا آموخت که بهترین راه پیشرفت،
اندیشیدن در آرامش است.
و از او در یافتم که هیچگاه،
خوش آمدگوئی دروغکاران را نباید کرد.
چون آنان همه راستکاران را دشمن می شمارند.

۱۶ـ پس ای اهورا.
زرتشت، راه اندیشه تو را دنبال میکند
که افزاینده ترین و پیشبرنده ترین است.
باشد که در پرتو **راستی**
و کرداری که بر **اندیشه نیک**
استوار است،
زندگی مینوی و مادی ما نیرو گیرد،
و **آرامش** در سرزمین درونی ماتابان شود،
و مارا سرانجامی نیکو بخشد.



سروده نهم (یسنا. ها ت ۴۴)

به پرسشهایم پا سخ ده و
به من بگو چرا و چگونه

۱ـ به من بگو، ای **اهورامزدا**
آنگونه که بدرستی دریابم
چگونه رهروان راهت تو را خواهند شناخت؟
و تو کی دوستی چون من را خواهی آموخت؟
و باز از تو می پرسم،
کی در پرتو **راستی** مرا یاری خواهی نمود،
تا با **اندیشه نیک** همیشه هم دم و هم زیست شوم؟

۲ـ به من بگو، ای **اهورامزدا**
آنگونه که بدرستی دریابم،
سرچشمه یک زندگی خوشبخت در کجاست؟
و چیست پاداش آنکه
در جستجوی این چنین زندگیست؟
و آنکس که از سوی همگان برگزیده شده،
چگونه در پرتو **راستی** چاره ساز دشواریها،
و نگهبان اندیشه های پیشبرنده خواهد بود؟

۳ـ به من بگو، ای **اهورامزدا**
آنگونه که بدرستی دریابم
کیست آنکه در آغاز **راستی** را آفرید؟
و به خورشید و ستارگان،
راه پیمودن آموخت؟
و ماه را گاه در افزایش و گاه در کاهش نهاد؟
ای مزدا
من خواهان دانستن همه چیزم.

۴ـ به من بگو، ای **اهورامزدا**
آنگونه که بدرستی دریابم
کیست آنکه،
زمین را در پائین و آسمان بیکران را
در بالا نگاه داشته؟
و کیست آنکه، آب وگیاه را آفریده؟
و به باد و ابر تیره، تندروی داده؟
و کیست آنکه،
اندیشه نیک را پدیدار ساخته؟

۵ـ به من بگو، ای **اهورامزدا**
آنگونه که بدرستی دریابم
کدام هنرمندی، روشنائی و تاریکی را آفرید؟
و خواب و بیداری را پدید آورد؟
و کیست آنکه
بامداد و نیمروز و شب را
از نیستی به هستی آورد،
تا مردم را در پرتو **خرد** به کوشش فرا خواند؟

۶ـ به من بگو، ای **اهورامزدا**
آنگونه که بدرستی دریابم
آیا آنچه را که
می گویم و می آموزم و می آموزانم،
براستی درست است؟
آیا **آرامش** در پرتو **اندیشه نیک**.
راستی رادر جهان گسترده خواهد نمود
و نیروی **خودچیرگی** را در مردمان
افزایش خواهد داد؟
ای **مزدا**. بمن بگو
برای چه کسی
این جهان بارور و شادی بخش
را آفریده ای؟

۷ـ به من بگو، ای اهورامزدا
آنگونه که بدرستی دریابم.
چه کسی نیروی خود چیرگی را
همراه با آرامش پدید آورد؟
و چه کسی از روی خرد،
رشته مهر را میان پدر و مادر و فرزند بست؟
با این پرسشها،
من میکوشم، ای مزدا،
تا در پرتو خرد روشن
تو را که آفریدگار هستی می باشی
بشناسم.

۸ـ ای اهورامزدا
به من بگو، مانند دوستی به دوستش
من که به آموزشهای تو می اندیشم،
و با اندیشه نیک از تو پرسش میکنم،
چگونه در پرتو راستی،
به رسائی زندگی دست می یابم
و از روانی شاد برخوردار میگردم؟

۹ـ ای **اهورامزدا** به من بگو،
آنگونه که بدرستی دریابم.
چگونه درون خود را
به فروغ **آرامش** روشن کنم؟
و با دانشی که از تو می آموزم،
چگونه همراه با نیروی **خودچیرگی**،
وهمگام با **راستی** و **اندیشه نیک**
به سرای تو راه جویم؟

۱۰ـ ای **اهورامزدا**، به من بگو
آنگونه که بدرستی دریابم
چیست آن آئینی،
که برای جهانیان بهترین است؟
و کدام است آئینی که همگام با **راستی**،
جهان را به پیش می برد،
و در پرتو **راستی**،
زندگی ما را به سوی **آرامش** گرایش میدهد؟

۱۱ـ ای اهورامزدا، به من بگو
آنگونه که بدرستی دریابم
چگونه آرامش
به کسانی که آئین تو را آموخته اند
فرا خواهد رسید؟
برای رسیدن به این آرمان است
که من تو را بالاترین شناخته
و خدایان دروغین را دور انداخته ام

۱۲ـ ای اهورا، به من بگو
آنگونه که بدرستی دریابم
با کسانی که هم سخن هستم،
یا در آینده هم سخن خواهم شد،
کدام یک راست کردار و کدام دروغکار است؟
و من به چه کسی روی کنم؟
به آنکه بدی دیده،یا آنکه به بدی گرائیده؟
و چگونه دروغکاری که در برابر
بخشایش های تو با من در ستیز است،
بد نشمرم؟

۱۳ـ ای اهورامزدا، به من بگو
آنگونه که بدرستی دریابم
چگونه خود را از دروغ دور کنم؟
و چگونه از آنهائی
که راه دروغ را برگزیده،
و از راستی دوری گرفته اند،
و از رایزنی با اندیشه نیک
روی بر گردانده اند کناره بگیریم؟

۱۴ـ ای اهورامزدا، به من بگو،
آنگونه که بدرستی دریابم
آیا میتوان راستی را با دروغ آشنا نمود
تا او را با آموزش پیام اندیشه برانگیز تو،
پاک گرداند؟
و آیا با این کار میتوان
فریب فریبکاران را شکست داده
و از میان برداشت؟

۱۵ـ ای اهورامزدا، به من بگو
آنگونه که بدرستی دریابم
تو که میتوانی در پرتو راستی
پناه راستان باشی،
هنگامی که دو سپاه دروغ و راستی
به هم می تازند،
توبر پایه آئینی که بر نهاده ای
به کدام یک از این دو گروه و در کجا،
پیروزی می بخشی؟

۱۶ـ ای اهورامزدا، به من بگو
آنگونه که بدرستی دریابم.
کیست آنکس که در پرتو
آموزشهای تو، به پیروزی رسد،
و پناه مردمان گردد؟
آن رهبر چاره ساز را به من بنمای
و سروش و اندیشه نیک را
به او یا به هر کس که دلخواه تست
ارزانی دار.

۱۷ـ ای اهورامزدا، به من بگو
آنگونه که بدرستی دریابم.
چگونه با رهنمود تو،
به آماج خود که همان به تو پیوستن است
دست یابم؟
و چگونه،
گفتارم را با پیامی که از راستی بر می خیزد،
به دلهای مردمان بنشانم
و آنها را به سوی رسائی و جاودانگی
راهنمائی کنم؟

۱۸ـ ای اهورامزدا، به من بگو
آنگونه که بدرستی دریابم.
چگونه در پرتو راستی
نیرو های ده گانه برونی و درونی من،
زایا و نیرومند و فروزان میگردند؟
میخواهم با آنها رسائی و جاودانگی را دریابم،
و هر دو را
به مردم جهان ارمغان کنم

۱۹ـ ای اهورامزدا
به من بگو و آگاهم کن
زمانی که نیازمندی، راست گفتار
نزد توانگری میرود و به جای کمک
از او پاسخی سرد میشنود،
سزای این کردار چیست؟
من ازآنچه سر انجام به او خواهد رسید،
آگاه هستم.

۲۰ـ ای مزدا.
این را نیز به من بگو،
چگونه دروغکاران
میتوانند رهبرانی خوب باشند؟
چه آنهائی که با یاری پیشوایان دینی
و پیروان خدایان دروغین،
جهان را به ستم و آزار و دردمندی میکشانند،
وچه آنهائی که هیچگاه کوشش نکرده اند
تاجهان را در پرتو راستی.
آباد کرده و به پیش ببرند.

سروده دهم (یسنا. ها ت ۴۵)

دو شیوه اندیشیدن و زندگی کردن

۱ـ اکنون سخن می دارم،
به شما که خواهان شنیدنید،
به شما که از دور و نزدیک آماده اید،
پس خوب گوش کنید و بشنوید،
و این گفته ها را خوب به یاد بسپرید،
تا آموزگار بد زندگی شمارا تباه نسازد،
و دروغکار با گفته های فریبنده خود،
شما را به گمراهی نکشاند.

۲ـ اکنون سخن میدارم
از دو شیوه اندیشیدن.
از آنکه،
پیش برنده و از آنکه بازدارنده می باشد.
از آن دو، در آغاز
اندیشه روشن به اندیشه تاریک گفت:
ما را
نه آئین و نه خرد و نه باور،و نه گفتار
و نه کردار و نه وجدان و نه روان
باهم در سازش است.

۳ـ اکنون سخن میدارم،
درباره بهترین آئین زندگی،
آنگونه که آنرا از مزدااهورای خرد بخش
از راه اندیشه دریافتم
از شما،
کسانی که این پیام اندیشه برانگیز را
که اکنون بازگو میکنم، به کار نبندند،
سرانجام، زندگی آنان،
با دریغ و افسوس خواهد گزشت.

۴ـ اکنون سخن میدارم،
از بهترین شیوه زندگی،
شیوه ای که درپرتو راستی دریافته ام
آنگونه که مزدا به مردمان ارمغان کرده،
مزدائی که سرچشمه اندیشه نیک است
و اندیشه نیک را برای کار و کوشش آفریده،
مزدائی که سرچشمه آرامش است،
و آرامش را برای نیک کرداری آفریده.
مزدائی که از همه چیز آگاهست
و اورا نمیتوان فریفت.

۵ـ اکنون سخن میدارم،
از آنچه اهورامزدای افزاینده ترین
مرا گفت،
سخنی که شنودن آن برای مردم بهترین است،
کسانی که آموزشهای مرا بشنوند
و به آنها ارج نهند،
به رسائی و جاودانی خواهند رسید،
و با کارهائی که از اندیشه نیک بر می آید،
به مزدااهورا ره خواهند برد.

۶ـ اکنون سخن میدارم،
از آنکه بزرگترین و برترین است.
آنکه من او را در پرتو راستی می ستایم،
آنکه به مردمان مهر می ورزد.
باشد که مزدااهورا،
با خرد پیشبرنده و افزاینده خود بشنود،
که ما از راه اندیشه نیک
نیایشهای خود را به او ارمغان میکنیم،
باشد که او با خرد خود،
آنچه را که بهترین است به ما بیاموزد.

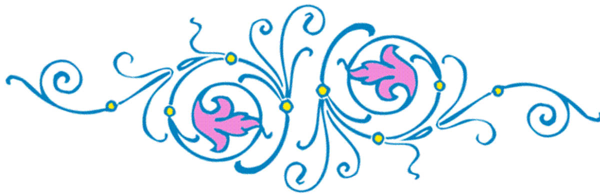
۷ـ **اهورامزدا** آفریننده ایست که مردمان،
چه آنانی که بودند،هستند و خواهند بود،
رستگاری خود را در او جویند،
و شما بدانید،
که **روان** راستکار
پیوسته پیروز و توانا خواهد بود،
و **روان** دروغکار
همیشه با رنج به سر خواهد برد
و این آئینی است که،
مزدااهورا
آنرا در بنیاد هستی بر نهاده است.

۸ـ با ستایشها و نیایشها یم،
به **مزدااهورا** روی میکنم،
و با دیده دل او را می نگرم
و با **اندیشه و گفتار و کردار نیک**.
در پرتو **راستی**.
او را هستی بخش و سرچشمه **خرد** می شناسم،
و نیایشهایم را به او
و به **سرای سرود** او ارمغان میکنم

۹ـ ای **مزدا اهورا**،
تو را با **اندیشه نیک** ستایش میکنم،
توئی که با خواست خود،
توانائی شاد بودن و رنج کشیدن
را به همگی واگزار کرده ای.
باشد که تو ای **مزدااهورا**،
با مهر بیکران خود،به ما نیروئی بخشی
تادر پرتو **اندیشه نیک** و **راستی**
مردمان وجانوران و گیاهان را
خوشبخت و شکوفا کنیم.

۱۰ـ **اهورامزدا**،
تو را
در **آرامش** درونی خود می ستائیم
و بزرگ میداریم.
توئی که در پرتو **راستی** و **اندیشه نیک**
در شهریاری خود
به مردم نوید **رسائی** و **جاودانگی** میدهی
و به آنها تندرستی و توانائی می بخشی.

۱۱ـمزدا**اهورا**،
راه کسی که تبهکاران را دشمن می شمارد،
از راه آنکس که با آئین او در ستیزد
جدا نموده،
و برای کسی که با **اندیشه نیک**،
از **مزدااهورا** یاد کند،
و **سوشیا نهای** آزادی بخش و یاوران آئین را
گرامی دارد،
همچون دوست
و نزدیکترین کسان خواهد بود.



سروده یازدهم (یسنا، هات ۴۶)

نا امیدی، پایداری و پیروزی

۱ـ به کدام سرزمین روی آورم
وبه کجا پناه جویم؟
خویشانم مرا ترک گفته
و دوستانم از من روی گردانند.
از همکاران نیز مرا خشنودی نیست.
و نه از رهبران کشور که پیرو دروغند.
پس ای اهورامزدا،
در برابر اینهمه دشواری،
چگونه میتوانم تو را خشنود سازم؟

۲ـ ای مزدا
من از ناتوانی خود آگاهم،
زیرا دارائیم اندک و یارانم کم اند.
پس من به تو روی میکنم، مرا نیک بنگر،
و به من مهری را که،
دلداری به دلداده اش می بخشد
در پرتو راستی ارزانی کن
و مرا از اندیشه نیک برخوردارگردان.

۳ـ ای **مزدا**.
کی سپیده دم نیک بختی
فرا خواهد رسید؟
آن روز که **راستی** در جهان بدرخشد.
وکی سودرسانان آزادیبخش، **سوشیان ها**
با رهنمودهای پر از **خرد** و پیشبرنده خواهند آمد؟
و **اندیشه نیک** به چه کسی گرایش خواهد کرد؟
ای **اهورا**.
من تنها آموزش و آئین تو را بر می گزینم.

۴ـ در برابر پیروان دروغ
که هر دم در کوششند
تا ازپیشرفت راستکاران در زندگی
و آبادانی کشور جلوگیری نمایند،
ما با تمام نیرو و جان
با آنها ستیز خواهیم نمود،
چون میدانم ای **مزدا**.
که با این کار،
ما در راه آئین تو گام بر میداریم.

۵ـ ای اهورامزدا.
اگر راستکاری، که بر پایه آئین راستی
و یا از روی مهر،
دروغکاری را که از او یاری می جوید
بگرمی بپزیرد، و او را از گمراهی برهاند
و به خودشناسی رساند،
بر اوست که سایر یاران را آگاه نموده
تا آنان چنین کسی را از آزار بداندیشان
نگهداری کرده و یار و یاور او باشند.

۶ـ ولی اگر این راستکار،
به کسی که دست یاری به او دراز کرده
پاسخ نگوید،
اوست که این بار به دام فریبکار می افتد
و فریبکار را پیروز میگرداند.
از این روی، بر پایه آئینی که رهنمای ماست،
کسی که تبهکار را به پیروزی رساند
خود تبهکار است،
و آنکه کسی را به راستی رهنما شود
از راستان می باشد.

۷ـ ای مزدا،
هنگامی که دروغکار کوشش به فریب من میکند،
جز آتش درونیم که بسوی تو زبانه میکشد
و اندیشه ام که بسوی تو پرواز میکند،
چه کسی یار و یاور من خواهد بود؟
ای اهورا،
با شناخت آئین راستی است
که ما از روشنائی خرد تو
بهره مند خواهیم شد
ونیرو خواهیم گرفت.

۸ـ ای مزدا
از کردارهای کسی که
در پی آزار مردمان است،
گزندی به آنها نخواهد رسید،
چون کردارهای دشمنانه او
به خود او باز خواهد گشت،
و او را از زندگی خوب باز خواهد داشت،
و او را به خواری خواهد کشانید.

۹ـ کیست آن خردمندی
که در پرتو اندیشه نیک،
به من بیاموزد
چگونه بهترین ستایشها و نیایشها را
که سزاوار تست بتو ارمغان کنم؟
و توای سرور و داور کردارهای مردمان
به من بگو چگونه میتوانم از آئین راستی
و از آنچه تو در باره آن گفته ای
آگاه گردم؟

۱۰ـ ای اهورامزدا،
هرکس، چه زن و چه مرد،
در زندگی خود آنچه را تو بهتر می شناسی،
بهتر شمارد،
او را از نیروی اندیشه نیک،
و از پاداش راستی برخوردار گردان
من این کس را،
به سوی تو راهنمائی میکنم
و از پل داوری می گزرانم

۱۱ـ پیشوایان دینی و فرمانروایانی
که بایکدگر هم پیمان شده
و کوشش میکنند با فریب و زور
مردم را زیر فرمان خود درآورند
و زندگی آنها را تباه کنند،
هنگام رسیدن به پل داوری،
روان و **وجدان** آنها بر آنها
خواهد خروشید،
و آنها را شرمسار در خانه دروغ
جای گزین خواهدکرد.

۱۲ـ هنگامی که
فرزندان و نوادگان توانمند فریان تورانی،
به راستی روی کردند،
و با آرامش درونی و کوشش برونی خود،
در پیشرفت و آبادی جهان کوشیدند،
آنگاه **اهورامزدا**، در پرتو **اندیشه نیک**.
آنان را به هم پیوست،و خوشبختی و راستکاری
رابر آنها آشکار نمود.

۱۳ـ کسی که **زرتشت اسپنتمان** را،
در انجام آرمانش یاری کند،
او را همگان،
زن یا مردی نیکومنش خواهند شناخت
و **اهورامزدا**،
به چنین کسی بهترین زندگی خواهد بخشید،
و در پرتو **اندیشه نیک** و **راستی**
که آئین بنیادین **اهور**است،
او را از مهر خود برخوردار خواهد نمود.

۱۴ـ ای **زرتشت**،
کیست دوست راستکردار تو؟
و کیست آنکه
خواهان نیکنامی و پیشرفت
«**انجمن مغان**» می باشد؟
این کس براستی کی گشتاسب دلاور است.
من با سخنان برخاسته از **اندیشه نیک**
مردمان را فرا میخوانم،
تا به پردیس تو ای **مزدا**، راه یابند.

۱۵ـ ای فرزندان هیچدسپ اسپنتمان،
اکنون به شما چیزی خواهم آموخت،
که برای شما بهترین است.
برای شناخت نیک از بد تنها یک راه می باشد
و آنهم هم آهنگی با آئین راستی است.
چون این آئین جاودانی است
که همگان را به اهورا خواهد رساند.

۱۶ـ ای فرشوشتر هوَگوا،
با یاران خود بدانجا برو که،
ما هر دو می خواهیم،
و آن جائی است که فروغ خوشبختی بدرخشد،
جائی که آرامش همراه با راستی باشد
جائی که اندیشه نیک فرمانرواست
و جائی که شکوه اهورامزدا نمایان است.

۱۷ـ ای جاماسب هوَگوای خردمند،
من اینک با زبان سروده و نه با سخنان بی موزون
به تو می آموزم،
تا آن را به دل فراگیری و ستاینده آن باشی
هر که نیک را از بد باز شناسد،
اهورامزدا، در پرتو راستی،
نگهبان پرتوان او گردد.

۱۸ـ کسی که به من پیوندد
من بهترین دوستی خود را به او ارمغان میکنم
و در پرتو اندیشه نیک،
بهترینها را به او نوید میدهم،
ولی، آنکه با من در ستیز است،
من نیز با او در ستیز خواهم بود
ای مزدا، من درپرتوراستی،
هر آنچه تو خواهی انجام خواهم داد،
چون این راهی است که
خرد و اندیشه من برگزیده است.

۱۹ـ خواست زرتشت،
ساختن جهانی نوین و تازه است.
کسی که در این راه بکوشد
و آنرا به انجام رساند،
از پاداش زندگی جاودانه
برخوردار خواهد گشت،
و در جهان مادی ومینوی،
به آرزوهای خود دست خواهدیافت.
ای مزدا،
اینها را، تو همه به من آموخته
و آشکار ساخته ای.

سروده دوازدهم.(یسنا. هات ۴۷)

اهورامزدا و نیروئی
که می آفریند و پیش می برد

۱ـ مزدااهورا.
با **نیروی آفرینندگی و پیشبرنده** خود
کسی را به **رسائی**
و سپس به **جاودانگی** میرساند
که کردار و گفتارش
هماهنگ با **اندیشه نیک** و استوار
به **راستی** باشد.

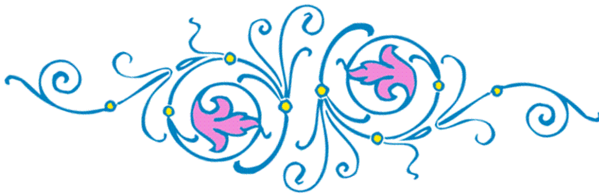
۲ـ این چنین کسی، ای **مزدااهورا**
از **نیروی آفرینندگی** تو
که پیشبرنده هستند،
بهترین زندگی را بهره خواهد گرفت،
زیرا او در پرتو **خرد. راستی** و **آرامش**
گفتاروکردارش را با **اندیشه نیک**
همگام کرده است.

۳ـ پس، **ای مزدا**،
این **نیروی آفریننده و پیشبرنده**
تو هست که این جهان شادی بخش را
از نیست به هست آورده و میتوانند به
آن **آرامش** و آسایش دهد.

۴ـ ای **مزدا**،
نیروی آفریننده و پیشبرنده تو
از دروغکارانی که از **اندیشه نیک**
روی برتابیده اند، دوری خواهد نمود
وآنها را در رنج و افسوس خواهد گزاشت،
ولی راستکاران را در پرتو خود خواهد گرفت.
چون، راستکردار اگر هم تهی دست باشد،
نزد راستان گرامی است،
و دروغکار اگر هم دارا باشد،
بی ارج خواهد بود.

۵ـ پس ای **مزدا**،
دروغکاران از **نیرو ی**
آفریننده و پیشبرنده تو
بهره ای نخواهند گرفت.
ولی پیروزی و خوشبختی در پایان
از آن راستکاران خواهد گردید.

۶ـ ای **مزدااهورا**،
در پرتو روشنائی فروزان
و **نیروی آفریننده و پیشبرنده** تو
سرنوشت دو گروه،
نیکان و بدان، روشن خواهد گردید،
و با افزایش **راستی** و گسترش **آرامش**
بسیاری از جویندگان
سرانجام راه تو را برخواهند گزید.



سروده سیزدهم (یسنا، هات ۴۸)

ایستادگی در برابر خشم وستم

۱ـ **راستی** در آن زمان
بر دروغ چیره خواهد گردید
که پرده از روی ریا و فریب
تبهکاران برداشته شود.
آنگاه، ای **اهورامزدا**
ستایش و مهر به تو فزونی خواهد گرفت
و جویندگان **راستی**
به تو روی خواهند آورد.

۲ـ ای **اهورامزدا**،
پیش از آنکه دودلی به من روی آورد
مرا ازدانستنی ها آگاه ساز.
آیا راستکردار
بر دروغکار پیروز خواهد شد؟
و آیا
سرانجام این چنین پیروزی،
یک زندگی خوشبخت است؟

۳ـ توئی ای **اهورامزدا**،
سرچشمه بهترین آموزشها،
آموزشهائی که در پرتو **راستی**،
تو به مردمان ارمغان میکنی.
آنکس که این آموزشها را بدرستی در یابد،
فرزانه ای پیش رونده و پیش برنده خواهد بود
که در پرتو **خرد** و **اندیشه نیک**
به سوی روشنائی و در راه تو
گام بر خواهد داشت.

۴ـ ای **مزدا**،
کسی که از **اندیشه نیک** برخوردار است،
کردار و گفتار او به نیکی
و **وجدان** او به روشنی
خواهد گرائید،
و با **خردی** که تو به او ارزانی کرده ای،
سرانجام،
نیک را از بد جدا خواهد نمود

۵ـ ای آرامش،
مگزار که
فرمانروایان بد خو و ستمگر
بر ما چیره شوند،
چون نیاز ما به فرمانروایانی است،
که با خرد و دانش و کردار نیک
رهنمای مردم گردند.
پاکیزگی برای مردم
و آبادی برای جهان بهترین است،
چون، جهان را باید بدرستی پرورش داد،
و آن را به سوی روشنائی برد.

۶ـ براستی، بهترین پناهگاه،
زمینی است که آرامش
در آن فرمانرواست،
زمینی که اهورامزدا،
در آغاز آفرینش و در پرتو راستی،
روی آن گیاه و سبزه رویانده،
و به مردمانش دو دهش اندیشه نیک
و نیروی خودچیرگی ارمغان کرده است

۷ـ شما که
به **اندیشه نیک** دل بسته اید،
خشم را از خود دور کنید
و در برابر ستم بایستید.
و در این راه، برای گسترش آئین **راستی**،
به نیروی همرزمان پاک سرشت بپیوندید
تا به سرای **اهورامزدا** راه یابید.

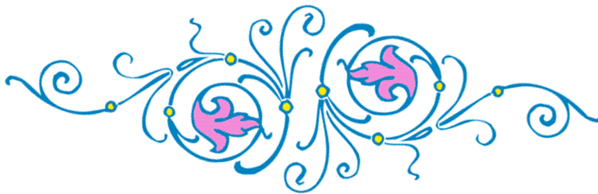
۸ـ ای **اهورامزدا**،
چه اندازه آرزو دارم که در پرتو **راستی**
از نیروی درونی خود **چیرگی** بهره مند گردم،
و برتر از آن چه اندازه خواهانم
که تو خود را به یاران من آشکار کنی
و پاداش **اندیشه نیک** را به آنها ارمغان نمائی
تا در زندگی پیشرو و شکوفا گردند.

۹ـ ای **مزدا**،
چگونه بدانم که در پرتو **راستی**،
تو بر همگان،
حتی بر کسانی که در پی آزارمنند
فرمان میرانی؟
پس چگونگی کارکرد **اندیشه نیک** را به من بیاموز،
تا رها کنندگان آزادیبخش، **سوشیان ها** هم بدانند
که آنها هم از پاداش بهره مند خواهند گردید

۱۰ـ ای مزدا،
آیا روزی خواهد آمد که
مردم آئین تو را در یابند؟
و پلیدی و دروغ و آز
از پهنه گیتی بر انداخته شود؟
چون با چنین ا بزارهایست
که رهبران فریبکار دینی،
مردم را گمراه کرده
و فرمانروایان ستمکار و بداندیش
به کمک آنها فرمان می رانند.

۱۱ـ ای مزدا،
کی کشور پر از کشتزارهای سبز و خرم
و خانمان ها خوب و آباد خواهند گردید؟
و کی در پرتو راستی
آرامش به سراسر کشور سایه خواهد افکند؟
و در برابر یورش دروغکاران ستمگر
چه کسی ایستادگی خواهد نمود،
و به چه کسی دانش و بینش
و اندیشه نیک خواهد رسید؟

۱۲ـ ای **مزدا**،
سودرسانان آزادی بخش کشورها،**سوشیانها**
کسانی خواهند بود
که در پرتو **راستی**،
وبا پیروی از **اندیشه نیک** و آموزشهای تو
آرمانی را که به آنها داده شده
به انجام رسانند،
و خشم و ستم را از میان بردارند.



سروده چهاردهم (یسنا. هات ۴۹)

ایستادگی در برا بر فرمانروایان ستمگر

۱ـ دیرگاهی است که دشمن من بَندو،
در برابر من ایستادگی میکند،
و نمیگزارد فریب خوردگان را آگاه نمایم
پس تو ای مزدا.
بسوی من آی و مرا توانائی بخش،
تا با اندیشه نیک.
او و همانند او را از گمراهی برهانم.

۲ـ ای مزدا
زشتکاریهای بَندَو مرا نگران کرده است،
زیرا کیش او دروغ و فریب
و دوری جستن از راستی است،
نه در درون او آرامش پیشبرنده است
و نه اندیشه نیک در او راهی است.

۳ـ ای **مزدا**،
تو این آئین و این آموزش را،
برای زنان و مردان آنگونه استوار نموده ای
که،**راستی** سودبخش است و دروغ زیان آور.
از این روست که،
من خواهان پیوند با **اندیشه نیک** هستم،
و وابستگی هایم را با دروغکار پاره میکنم.

۴ـ کسانی که
با کردار و گفتار بد،
خشم و ستم را می افزایند،
و مردم سازنده و آبادگر را،
از کار خود باز میدارند،
و همیشه در پی آزارند،
تبهکارانی هستند که
سرشت و **وجدان** مردم را
به دروغ و گمراهی می کشانند.

۵ـ ولی آنکس که
دل و جان و **وجدان** خود را
با **اندیشه نیک** پیوند داده،
و در راه **راستی** و **آرامش** گام برمیدارد،
سرانجام، ای **مزدا**،
در **سرای جاودانی** تو جای خواهد گرفت.

۶ـ ای **اهورامزدا**،
مرا از آنچه در **خرد** و اندیشه توست،
آگاه کن،
تا در پرتو **راستی**
آئین تو را درست دریابم
و به دیگران بیاموزم.

۷ـ ای **اهورامزدا**،
باشد که مردمان،
با **اندیشه نیک** و از روی **راستی**،
پیام مرا بشنوند.
و در آن زمان،
تو خود گواه خواهی بود که،
ازیاران و خویشان،
کدام یک برابر آئین تو زندگی میکنند،
تا برای همکاران راهنمائی ارزنده باشند.

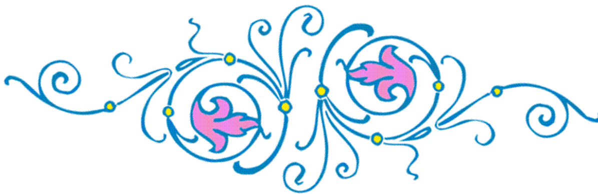
۸ـ ای **مزدااهورا**،
از تو خواستارم که،
که بهترین شادمانی را درپرتو **راستی**
به فراشوستر، ارمغان کنی،
و چنین پاداشی را هم به دیگر یارانم ببخشی.
باشد که همیشه ما رهرو راه تو باشیم.

۹ـ ای جاماسب خرد مند،
باشد که،
آن یاور کوشائی که برای رهائی مردم آفریده شده،
به این آموزشها گوش فرا دهد،
که راست گفتار هرگز اندیشه پیوند با دروغ
را در خود نپروراند
و کسانی که دارای وجدان روشنند،
از بهترین پاداشها برخوردار گردنند،
و سرانجام به راستی بپیوندند.

۱۰ـ ای مزدا،
من در پرتو اندیشه نیک،
تن و جان و روان راستکاران رابه تو می سپارم،
تا نگه دار آنها باشی.
و می ستایم،آرامش افزاینده،
و می ستایم تو را
که توانای بزرگ و نیروی پایدار و جاودانی هستی.

۱۱ـ و این را نیز میدانم،
که روان فرمانروایان ستمگر،
و بدکرداران سیه دل و بد اندیش،
در سرای دروغ جای خواهد گرفت.
براستی اینان،
سرنشینان سرای دروغ خواهند بود.

۱۲ـ ای **اهورامزدا**،
ستایش کنندگان تو
که خود را با **راستی** هماهنگ کرده اند
از چه پاداشی برخوردار خواهند گردید؟
آیا **زرتشت** هم که در پرتو **اندیشه نیک**
با سروده های خود تو را می ستاید
از آن بهره مند خواهد شد؟



سروده پانزدهم (یسنا، هات ۵۰)

با گاتهای اندیشه بر انگیز
تو را می ستایم، ای مزدا

۱ـ ای **مزدااهورا**،
روانم را چه کسی یاری خواهد داد؟
و چه کسی،
جز **راستی** و **اندیشه نیک**
دشواری های زندگی را برای من
و یارانم را خواهد گشود؟

۲ـ ای **مزدا**،
کسی که
همیشه در اندیشه سود خویش است،
چگونه میتواند به جهان
خرمی و شادمانی بخشد و آنرا آباد گرداند؟
و چگونه کسانی
که هماهنگ با **راستی** زندگی میکنند،
در منزلگه خردگرایان که از
فروغ تابناک تو روشن است
به سر خواهند برد؟

۳ـ ای **مزدا**،
راستی به کسی روی خواهد کرد،
که در زندگی **اندیشه نیک** و
نیروی **خودچیرگی**
راهنمای او باشند.
در پرتواین نیروهاست، که او
جهان ستم دیده را باز ساخته
و آباد خواهد گرداند.

۴ـ ای **مزدااهورا**،
می ستایم تو را،
و می ستایم **راستی** و **اندیشه نیک** را
ونیروی **خودچیرگی** را،
و در پی آنم که رهرو راه تو باشم،
تا در **سرای سرود**،
به سخنان دوستداران تو گوش فرا دهم.

۵ـ ای **مزدااهورا**،
و تو ای **راستی**،
به سوی سراینده **گاتها**
روی آورید،و به او مهر ورزید،
تا او، با یاری و پشتیبانی شمابتواند
مردمان را
به سوی روشنائی راهنمائی کند.

۶ـ ای **مزدا**.
من،**زرتشت**، دوستدار **راستی**.
با آوای بلند، با **گاتهای** اندیشه برانگیز
تو را می ستایم،
باشد که
همیشه سخنانم را با **خرد** بیارائی،
و در پرتو **اندیشه نیک**.
آئین خود را به من نمایان کنی.

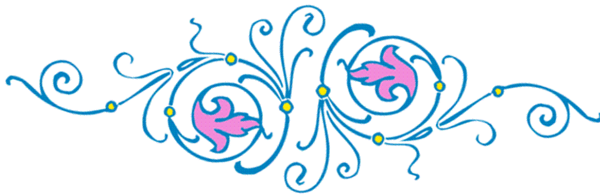
۷ـ ای **مزدا**.
من، با **گاتهای** اندیشه زای
تو را با بهترین سخنان
می ستایم و راه تو را می پویم،
تا در پرتو **راستی** و **اندیشه نیک**.
مرا رهنما شده و به پیروزی رسانی

۸ـ ای **مزدا**.
من، با **گاتهای** اندیشه برانگیز
و با دستهای برافراشته
به تو روی می آورم
و همچون آزاده ای،
در پرتو **راستی** به تو نیایش میکنم
تا همگام با **اندیشه نیک**
به تو نزدیک شوم.

۹ـ ای **مزدا**،
با **گاتهای** اندیشه زای
و در پرتو **راستی**،
با کرداری برخاسته از **اندیشه نیک**
به سوی تو میایم،
و تا روزی که
از ژرفناترین راز هستی آگاه نگردم،
همچنان
خواهان دریافت
دانش بزرگ تو خواهم بود.

۱۰ـ ای **اهورامزدا**،
کارهائی که در گزشته انجام داده ام،
و در آینده انجام خواهم داد،
همه از **اندیشه نیک** برخاسته
و بر خواهند خواست.
چه این کارها چون روشنائی خورشید،
و سپیده بامدادی،
همگی در راه **راستی**
و گرامی داشت آئین تو بوده
وخواهند بود.

۱۱ـ ای مزدا.
تا زمانی که مرا تاب و توان است،
در پرتو راستی.
تو را خواهم ستود.
باشد که تو ای هستی آفرین،
در پرتو اندیشه نیک
بالاترین آرزوی رهروانت را
که نو کردن و تازه نمودن جهان است،
برآورده سازی.



سروده شانزدهم (یسنا، هات ۵۱)

کسانی که در اندیشه و گفتار و کردار نیک
به هم پیوسته اند

۱ـ نیروی **خودچیرگی**
برخاسته از **راستی**، ارمغان گرانبهائی است
که در دل رهروان راه **مزدا**،می فروزد،
و آنها را بسوی
بهترین کردار رهنما میشود.
ای **مزدا**، مرا از این نیرو بهره مند نما.

۲ـ ای **اهورامزدا**،
من کردارهای خود را،
نخست به تو، آنگاه به **راستی**
و سپس به **آرامش** ارمغان میکنم.
و تو،
فرمان دلخواه خود را به من بگو،
و نیایش کننده ات را به پیروزی رسان.

۳ـ کسانی که با
اندیشه و گفتار و کردار نیک
به هم پیوسته اند،
و بسوی تو،ای مزدا
برای آموختن می آیند،
رهروان آئین تو اند.
چون تو نخستین
و بالاترین آموزگار آنانی.

۴ـ ای مزدا،
کی نیایش کنندگانت
از مهر تو سرشار خواهندگردید؟
و چه زمانی پاداش تو
آنها را در برخواهد گرفت؟
با راستی چگونه میتوان همراه گردید؟
و کی میشود به آرامش رسید؟
کجا اندیشه نیک را میتوان یافت؟
و چگونه میتوان
نیروی خودچیرگی را
در درون خود فرمانروا نمود؟

۵ ـ ای مزدا.
این همه پرسسش را
من از اینرو از تو کردم، که بدانم،
آبادگری که با کردار درست و با فروتنی
به خرد سازنده راه یافته
و برای مردمان
رهبری دادگر شناخته شده
چگونه میتواند،
در پرتو راستی.
این جهان را پیشرفت دهد
و آنرا آباد گرداند.

۶ ـ اهورا مزدا.
با فرمانروائی خود،
به کسی که
در راه سازندگی گام بردارد،
پاداشی بهتر از خوب خواهد بخشید،
و به کسی که ویرانگر باشد،
و در راه آبادانی جهان نکوشد،
در پایان،
انجامی بدتر از بد خواهد رسانید.

۷ـ ای مزدا.
تو که با خرد پیش برنده خود
زمین بارور و زندگی و آب و گیاه را
آفریدی،
پس رسائی و جاودانگی را هم
به من ببخش،
و در پرتو اندیشه نیک.
تندرستی تنی و نیروی روانی و استواری،
و زندگی تازه را
به من ارمغان کن.

۸ ـ ای مزدا.
پیام تو را به جویندگان دانش
آشکار خواهم نمود،
و به آنها خواهم گفت
که سرانجام دروغکار رنج است،
و سرنوشت راستکار، خوشبختی است.
بیگمان شادمانی بکسی روی میآورد
که این پیام اندیشه برانگیز را
به جویندگان برساند.

۹ـ ای مزدا،
تو هردو گروه را:
رهروان راستی و هواخواهان دروغ را
از راه آتش فروزان می آزمونی،
و به هر دو گروه،
بر پایه کردارشان پاداش میدهی.
و این آئین زندگی را که
رنج برای دروغکار
و خرسندی برای راستکردار است،
به درستی می نمایانی.

۱۰ـ ای مزدا،
کسی که
در راه ویرانی جهان می کوشد،
آفریده و پیرو دروغ می باشد.
پس من برای خود و یارانم،
راستی را فرا میخوانم که
به سوی ما آید،
و ما را به پیروزی رساند.

۱۱ـای **مزدا**،
آن دوست یکرنگی که به
زرتشت اسپنتمان یاری دهد
چه کسی میتوان باشد، جز انکس که
که با **راستی** خود را هماهنگ کرده
و با **آرامش** همگام شده است؟.
چنین کسی که رهرو **راستی**
و پیرو **اندیشه نیک** است،
بدرستی
شایسته هموندی **انجمن مغان** می باشد.

۱۲ـ پیروان رهبر دروغین
که با فریب گمراه گشته اند،
نمیتوانند به آن خوشبختی که
زرتشت اسپنتمان نوید آنرا داده برسند.
زیرا آنان
کامیابی را تنها در سود خود می جویند،
و نه در خوشبختی مردمان

۱۳ـ بدین سان،
با سرپیچی از آئین راستی
وناهمگونی با هنجار و قانون هستی،
دروغکار وجدان خود را تیره کرده،
و در گزرگاه داوری،
دچار سرزنش روان خود خواهد گردید
و تشویش هراس به او روی خواهند آورد.
این پیامد کردار و گفتار اوست.

۱۴ـ و همچنین،
پیشوایان فریبکار دینی،
که از داد و آئین زندگی و آبادسازی
روی گردانده،
و با آموزشهای فریبکارانه خود،
مردم را به گمراهی،
و جهان را به ویرانگی می کشند،
در پایان در سرای دروغ
جای خواهند گرفت.

۱۵ـ پاداشی که **زرتشت**،
به **انجمن مغان** نوید داده است،
سرای سرود است،
که از آغاز،
جایگاه رسیدن به **اهورامزدا**است.
من این پاداش را،
که در پرتو **اندیشه نیک** و **راستی**
به دست می آید،
به شما مژده میدهم.

۱۶ـ کی گشتاسب،
در پرتو **انجمن مغان**
و سروده های برخاسته از **اندیشه نیک**،
به پاداش دانش درونی رسید،
دانشی که باآن،
اهورا مزدا،
ما را بسوی خوشبختی میبرد.

۱۷ـ فرشوستر هوگو
زندگی خود را بادلباختگی
برای پیشرفت این آئین پاک
ارمغان کرده است.
باشد که **اهورامزدا**، آرزوی او را
برای دست یافتن به **راستی** یاری دهد.

۱۸ـ جاماسب هو گو،
برای دست یافتن به روشنائی درونی،
آئین راستی را برگزید،
و با اندیشه نیک به آن دانش دست یافت.
ای اهورامزدا.
این دانش را به تمام رهروان راهت ارزانی دار

۱۹ـ مدیوماه اسپنتمان،
که زندگی خود را
در راه شناخت آئین تو، ای مزدا
و گسترش آن گزاشت، دریافت
که تنها از راه کار و کوشش است
که میتوان نیروی درونی این آئین را آموخت
و آن را برای یک زندگی بهتر به کار گرفت.

۲۰ـ پس،
ای امشاسپندان همه همگام،
ما که همیشه شما را ستایش کرده ایم،
آئین راستی و اندیشه نیک را
بما بیاموزید تا به آرامش دست یابیم.
و در این راه اهورامزدا را نیایش کرده
و از او یاری میجوئیم.

۲۱ـ کسی که در پرتو **اندیشه نیک**
به نیروی **خودچیرگی** دست یافته،
و به **آرامش** رسیده و
با **اندیشه و گفتار و کردار** خود،
آئین **راستی** را گسترش میدهد.
اهورامزدا به چنین کسی،
وجدان روشن ارمغان خواهد نمود.
من هم نیز،
برای او خواهان نیک بختی هستم.

۲۲ـ اهورامزدا.
کسانی که در پرتو **راستی.**
به او روی آورند،
چه در گزشته و چه اکنون باشد،
می شناسد.
من هم آنها را می ستایم،
آنها را با نام نیک یاد میکنم،
و درودهای خود را
به آنها ارمغان می نمایم

سروده هفدهم (یسنا، هات ۵۳)

گزینش همسر و آزادی

۱ـ اکنون،
بهترین آرزوهای من، **زرتشت اسپنتمان**
برآورده شده،
زیرا **اهورامزدا**، بر پایه هم آهنگی
اندیشه و گفتار و کردار من با **راستی**،
جاودانه به من زندگی خرم و نیک بخشیده،
و مردمان،
حتی آنان که با من دشمنی میورزیدند،
آئین ورجاوند او را پزیرفته
و آنرا در زندگی خود وارد کرده اند.

۲ـ پس شما هم،
با **اندیشه و گفتار و کردار نیک**
بسوی **مزدا** روید،
و دل و اندیشه خود را بر او باز کنید.
کی گشتاسب، پشتیبان **زرتشت**
و فَرشوستر خردمند،آئینی را برگزیده اند،
که **اهورا** آنرا به
سودرسانان آزادی بخش، **سوشیانها**،
نمایان کرده است.

۳ـ و تو ای پورچیستای اسپنتمان هیچدسپ،
جوان ترین دخترم،
آنکس را برای همسری خود گزینش کن
که به **اندیشه نیک** و آئین **راستی**
پای بند باشد.
پس در این راه، بنام **مزدا**،
نخست با **خرد** خود رایزنی نما
و از او پرسش کن،
و سپس با **آگاهی** و **آرامش** گزینش نما.

۴ـ من،«پورچیستا»،
چنین کسی را برخواهم گزید
و دوست خواهم داشت.
باشد که با سرفرازی
در برابر شهروندان و همکاران و خانواده
وپدر و شوهر و در پرتو **اندیشه نیک**
همیشه رهرو راه **مزدااهورا** باشم.

۵ـ پس اکنون، من، «زرتشت»
این سخنان را به شما می گویم،
ای نو عروسان و ای تازه دامادان،
پندم را با خرد بشنوید و به یاد سپرید،
و با وجدان خود دریابید و به کار بندید:
پیوسته زندگی با اندیشه نیک کنید،
و هر یک از شما در راستی
از دیگری پیشی گیرید،
تا زندگی را با خوشی و خرمی سر کنید.

۶ـ ای مردان و ای زنان،
بدانید که در این جهان،
دروغ تباه کننده زندگی است،
پس از آن دوری کنید و آنرا نگسترانید.
و این بدانید که آن خوشی
که با فریفتن دیگران بدست آید،
مایه رنج و اندوه است،
چون تبهکارانی که با راستی در نبردند،
خوشبختی را در زندگی خود نابود می کنند.

۷ـ و پاداش انجمن مغان
تا روزی برای شما خواهد بود که
در پیمان خود، چه در بلندی و چه در پستی،
استوار باشید.
ولی اگر اندیشه دروغ به شما چیره گشت،
و با شکستن پیمان،
به آئین انجمن مغان پشت نمودید،
جز افسوس و اندوه در زندگی
چیز دیگری نخواهید یافت.

۸ـ پس،
افسوس و اندوه سرانجام کسانی است
که فریب خورده
و به گروه بدکرداران پیوسته اند.
بشود که،
در پرتو فرمانروائی درست،
فریبهای تباه کننده، از میان برود،
و زنان و مردان،
در خانه ها و شهرها با آرامش و خرمی
زندگی کنند،
و روشنائی مزدا به آنها روی آورد.

۹ـ کژاندیشان تبهکار
که در نبرد با راستی هستند،
وخردگرایان را کوچک می شمارند،
حتی با خویشتن خود در ستیزند.
کجاست آن رهبر راستکرداری که
در برابر آنها بر خیزد و
بدکاری را در آنها نابود کند؟
ای مزدا،
تنها با فرمانروائی مینوی توست که،
راستکرداران از بهترین زندگی برخوردار
خواهند شد.



پیوست ۱

اوستا چیست؟

همانگونه که در پیشگفتار این کتاب گفته شد، برای نگهداری از سرودهای اهورائی زرتشت «گاتها»، ایرانیان آنرا در میان مجموعه ای از نوشتارهای گوناگون که بعدها نام «اوستا» به خود گرفت جای دادند.
در درازای سده ها، کتاب اوستا، به غلط، نام «کتاب آسمانی آئین زرتشت» به خود گرفت. در حالیکه هیچ کدام از نوشتارهای اوستا، به جز همین ۱۷ سروده ای که از دید خوانندگان گزشت. از بزرگ آموزگار، زرتشت نیست. نه تنها کتاب اوستا از آن بزرگ آموزگار نیست بلکه بسیاری از مفاهیم آن با خرد و در نتیجه با گاتها در تضاد هستند.
اوستا که به معنی «دانش درونی» است، در درازای سده ها بوسیله کسانی نوشته شده که نه ما نامی از آنها می دانیم و نه میدانیم کی هستند.
این کتاب دارای شش بخش میباشد. بخش یکم همان گاتهای مقدس می باشد که از دید خوانندگان گرامی گزشت. گاتها در ۱۷ سروده و در ۵ آهنگ و وزن شعری سروده شده که دارای ۲۳۸ بند می باشد. این ۵ آهنگ و وزن شعری به نام های زیر می باشند:

۱ــ اَهنَوَد گاتها، که شامل ۷ هات است و از هات ۲۸ تا ۳۴ می باشد.
۲ــ اُشتَوَد گاتها، که دارای ۴ هات و از هات ۴۳ تا ۴۶ می باشد.
۳ــ شَپَنتَمد گاتها، دارای ۴ هات، یعنی از هات ۴۷ تا ۵۰ را در بر میگیرد.
۴ــ وُ هوخشَتَر گاتها، دارای یک هات یعنی هات ۵۱ است.
۵ــ وَیشتواِشت گاتها، شامل یک هات و آن هم هات ۵۳ می باشد.

گاتها در لابلای بخش دوم اوستا بنام «یسنا» که خود ۷۲ بخش می باشد گزاشته شده. در اوستا، گاتها و نوشتارهائی که با لحجه گاتائی و یا مطالبی نزدیک به گاتها که شاید از یاران و دانشجویان نزدیک زرتشت بوده اند، ستَوُت یَسن (Staota yasna) نامیده میشوند. از جمله هفت سروده که به آن «هفتنگ هائیتی» میگویند که نیایشهای مهمی همچون «اَشم وهو» و «یتااهو» که در رویه های ۲۱ و۲۲ این کتاب آورده ایم در آن قرار گرفته اند.

بخش دوم اوستا، همانگونه که در بالا نوشته شد «یسنا» نامیده شده و دارای ۷۲ بخش و بیشتر ویژه نیایش به ایزدان آریائی می باشد.

بخش سوم اوستا، وَیسپَرد است که درباره نیک کرداران می باشد. بخش چهارم اوستا، کتابی است بنام خُرده اوستا، که نمازهای روزانه در آن نوشته شده است. این بخش در زمان ساسانیان نوشته شده و به زبان پهلوی می باشد. بسیاری از مفاهیم خرده اوستا با گاتها و اندیشه خردگرای زرتشت در تضاد است. بخش پنجم اوستا، بنام یَشت ها است، که از سروده ها و نیایشهائی درست شده اند که بیشتر آنها به دوران پیش از زرتشت میرسند . در این بخش از ایزدانی همچون میترا (مهر)، آناهیتا (آب)، آزر (آتش) و غیره بسیار نام برده شده.

بخش ششم اوستا، بنام «وندیداد» هست که در برگیرنده قانونهای آریائی می باشد. شاید این کتاب در زمان مادها آغاز شده و تکمیل آن تا پس از ساسانیان ادامه پیدا کرده است. این کتاب هم مانند کتاب خرده اوستا (با اینکه بیش از سد واژه گاتائی در آن بکار رفته) هیچ ارتباطی با سخنان اهورائی زرتشت که در گاتها ندارد.

بنابراین کتاب اوستا، تنها یک ارزش تاریخی و فرهنگی دارد که بیشتر آن در زمان فراموشی زبان گاتها نوشته شده اند.

در این کتاب دو لحجه وجود دارد، یکی لحجه گاتائی که با آن سروده های زرتشت و سروده های نزدیک به آن گفته شده که لحجه خاور ایران بوده و دیگر لحجه اوستائی است که بیشتر در باختر ایران رایج بوده.

این دو لحجه با خط بسیار کاملی که به آن دین دبیره میگویند (به رویه ۹ نگاه کنید)که در سده سوم میلادی به وسیله موبدان زرتشتی درست شده به خوبی نمایان گردیده است.
با توجه به آن چه گفته شد، امروز، تنها کتابی که از بزرگ آموزگار، زرتشت در دست می باشد همان گاتها است که تمام آن بر پایه خرد استوار شده و هیچگونه خرافات و دوگانگی در آن به چشم نمیخورد.



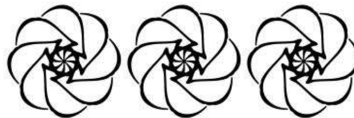
پیوست ۲

یادآوری چند واژه مهم در گاتها

این واژه ها را آنگونه که بزرگ آموزگار، زرتشت با زبان خود در گاتها بیان کرده و برابر پارسی آنها را برای یادآوری شما، دو باره در زیر تکرار میکنیم:

Ahura Mazda	**خداوند جان و خرد** یا سرچشمه زندگی و خرد
Asha	**راستی** یا قانونی که به یک زندگی و یک جامعه خوشبخت نظم میدهد
Vohu Manah	**اندیشه نیک**
Khashathra	نیروی **خود چیرگی** یا فرمانروائی به جهان درونی
Armaiti	**آرامش**
Haurvatat	**رسائی و تکامل**
Ameretat	**جاودانگی** یا زندگی جاوید
Saoshyant	**سودرسانان و رهائی دهندگان**
Seraosha	**ندای درونی. سروش**
Daena	**وجدان** یا بینش و آئینه درونی
Daena Vañuhi	**وجدان روشن**
Ushta	**خوشبختی**
Garo Demana	**سرای سرود** یا پردیس اهورائی
Amesha Spenta	**فروزه های جاودان** (اهورا مزدا)
Vastar	**راستکردار**
Manthra	**پیام های اندیشه برانگیز**
Manthran	**آوردنده پیام های اندیشه برانگیز**
Dregvant	**دروغگار**
Gaya	**زندگی**
Druj	**دروغ**
Ratu	**رهبر**
Gaetha	**زمین**

فهرست




Persian books

فهرست کتابها

نام نویسنده	*نام کتاب*	*محل چاپ*
حسین وحیدی	**گاتها. سرودهای مینوی زرتشت** (تهران ۲۰۰۲)	ایران
علی اکبر جعفری	**ستوت یسن** ۱۳۵۹ (۱۹۸۱) و **سرودهای پاک زرتشت اسپنتمان**	آمریکا
موبد فیروز آزرگشسب	**گاتها یا سرودهای آسمانی زرتشت** (لس آنجلس ۱۹۹۹)	آمریکا
آبتین ساسانفر	**برگردان هفت هات نخستین** (تهران ۲۰۰۴)	ایران
ستانلی اینسلر	**گاتهای زرتشت** (به انگلیسی)	آمریکا
ماری بویس	**بخشهائی از گاتها** (به انگلیسی)	انگلستان
ژ= م چاترجی	**گاتها یا سرودهای اتروان زرتشت** (به انگلیسی)نوساری۱۹۳۳	هند
ایرچ تاروپوروالا	**سرودهای مقدس زرتشت** (به انگلیسی) (بمبئی ۱۹۵۱)	هند
ت=ر= ستنا	**آموزشهای زرتشت** ۱۹۷۵	پاکستان
ژک دوشن گیمن	**سروده های زرتشت**۱۹۵۰ (به فرانسه)	فرانسه

جیمز دار مستتر	**زند اوستا**، ۱۸۸۲ در سه جلد(به فرانسه)	فرانسه
ابراهیم پور داود	**گاتها** دردو جلد (بمبئی ۱۹۵۲)	هند
کارل گلدنر	**اوستا** ، کتاب مقدس پارسیها ۱۸۹۶(به انگلیسی) چاپ اشتوتگارت	آمریکا
دینشاه ایرانی	**سروده های مقدس زرتشت** (به انگلیسی) لندن ۱۹۲۴	انگلستان
لورنس میلز	**گاتهای زرتشت** چاپ لیپزیک۱۹۰۰	آلمان
بهرام گور انکلساریا	**گاتهای مقدس زرتشت** بمبئی۱۹۵۲	هند
دستور فرامرز اردشیربد و پیلو ننوتی	**سروده های زرتشت** لندن ۱۹۵۲	انگلستان
شارل هارلز	**اوستا. کتاب مقدس زرتشتیان** (به فرانسه)	فرانسه
احسان بهرامی	**فرهنگ واژه های اوستائی**: چهار جلد ۱۳۶۹	ایران
ویلیام جکسون	**دستور اوستا** ۱۸۹۲	انگلستان